

نقش آداب و رسوم و صنایع دستی در توسعه صنعت گردشگری

مطالعه موردی: غرب کشور

سه استان همدان - کردستان - کرمانشاه

نوشین تدین طهماسبی

چکیده:

غرب ایران در مقیاس تاریخی و جغرافیایی خود جاذبه ها و زمینه های فراوانی برای فعالیتهای توریستی دارا می باشد. این جاذبه ها که عمدتاً به دو گروه جاذبه های طبیعی و جاذبه های تاریخی و فرهنگی تقسیم می شوند از منطقه ای به منطقه دیگر فرق می کند و دارای تنوع بسیار زیاد است.

یکی از جنبه های مهم در برنامه های توسعه منطقه ای، تأکید بر توریسم محلی می باشد این شیوه توریسم بر دخالت دادن جامعه محلی در برنامه ریزی و توسعه توریسم تأکید و توجه دارد و توریسمی را توسعه و گسترش می دهد که منافع جامعه محلی را به دنبال داشته باشد. تقویت ارتباط میان بخش توریسم و دیگر بخشهای اقتصادی، یکی از مهمترین تکنیک های برای توسعه منطقه ای از طریق صنعت توریسم می باشد. این امر اقلام وارداتی توریسم را کاهش داده و اشتغال غیر مستقیم و در آمد حاصل از توریسم را افزایش می دهد.

یکی از جاذبه های گردشگری در منطقه غرب ایران آداب و رسوم و صنایع دستی منحصر بفرد منطقه می باشد.

در این مقاله به بررسی مشترکات و گاهی تضادهای فرهنگی برای شناساندن قابلیت های صنعت گردشگری در پایتخت مادها خواهیم پرداخت.

کلمات کلیدی: صنایع دستی، آداب و رسوم،

صنعت گردشگری، غرب ایران

۱- پیشگفتار:

کشور ما از بزرگترین گاهواره های تمدن و فرهنگ جهانی است و هزاران سال است که نیاکان خردمند ما فرهنگ و تمدن سترگی را پی افکندند که به رغم آسیب و گزند بسیار همچنان از میراث گرانقدر ما نغمه ها ساز می کند، فرهنگ و تمدنی که افق های درخشان تاریخ و اندیشه را پیش روی ملل مختلف نیز گشوده است تا آنجا که این موارث فرهنگی هم امروز نیز مایه مباهات بشری است.

گردشگری با ابعاد متنوع و گسترده ای که در دو بخش طبیعی و انسانی دارد امروزه وارد حوزه شناخت عرصه های شناخت اجتماعی و آنچه که تحت عنوان هنر از خلاقیت های گروهها و قوم های مختلف بوده اند. و گاهی نوع کسب هنر در تولید آثاری که اندیشه مردمانی را به تجلی می کشد خود نمایی می کند.

آداب و رسوم و نوع زبان و رفتارهای اجتماعی هر قوم به عنوان شناسنامه آنان می باشد.

تمایل به شناخت پدیده ها و کسب آگاهی نسبت به ناشناخته ها از خصایص مهمی است که انسان از دیر باز به وجود آن در نهاد و فطرت

خود پی برده است.

در این مقاله به بررسی مشترکات و گاهی تضادهای فرهنگی برای شناساندن قابلیت های توسعه صنعت گردشگری در حوزه غرب کشور (سه استان همدان، کردستان و کرمانشاه) پایتخت مادها خواهیم پرداخت.

۲- تعاریف و مفاهیم

▪ آداب و رسوم :
▪ یکی از مهمترین جاذبه های گردشگری در ایران ویژگی های فرهنگی آن است.
این ویژگی ها عبارتند از: زبان، لباس، موسیقی، رقص های محلی، جشن ها، مراسم خاص، سوگ ها و عزاه ها، جشن ها و سرورها و صنایع دستی (ماهنامه ایرانا/شماره ۳۶/ص ۴۵) ایران از لحاظ فرهنگی سابقه بسیار قابل توجهی دارد که نظیر آن در سایر نقاط جهان کمتر دیده می شود. آداب و رسوم به جای مانده در این سرزمین قدمتی دیرینه دارد. (زنده دل/۷۸/ص ۹۱)

▪ صنایع دستی :
▪ این حقیقت بر کسی پوشیده نیست که صنایع دستی تنهایی حرفه ای است که قابلیت ایجاد و توسعه در کلیه مناطق شهری و روستایی و حتی جوامع متحرک عشایری را دارد. با توجه به اینکه صنایع دستی گونه ای از فعالیت اقتصادی است که دست انسان در تولید آن عامل اصلی و اساسی بشمار می رود و از محدود صنایع ملی و غیروابسته ای است که به هیچ وجه نیاز به کارشناس و متخصص خارجی ندارد و قسمت اعظم مواد اولیه آن محصول داخل کشور است. صنایع دستی در ایران با توجه به حضور قومیت های مختلف در استان ها، پراکندگی جغرافیایی بالا نیاز به سرمایه گذاری اندک، وجود مواد اولیه فراوان بومی و ارزان قیمت، آموزش و فراگیری سریع و بازار فروش مناسب از بستر مناسبی برای فعالیت های اجتماعی و اقتصادی اشتغالزایی، افزایش تولید ناخالص ملی و حضور کارآمد و فعال در زمینه پاسداری از میراث فرهنگی، برخوردار است.

صنایع دستی، همواره به عنوان یکی از انگیزه های سفر و جاذبه های جالب برای جهانگردان مطرح بوده است. خصوصاً صنایع دستی کشورهای نظیر ایران، که دارای تاریخی کهن، فرهنگ و هنری متعالی و تمدنهای باستانی ارزنده می باشند، حامل بسیاری از ارزشهای فرهنگی، هنری، تاریخی و اعتقادی است و علاوه بر جنبه یادگاری و ماندگاری خاطرات، یکی از راههای تعامل فرهنگی و شناسایی مردم یک کشور، به سایر ممالک است. (فاطمی/۸۰/ص ۱۳۴)

▪ صنعت گردشگری :
▪ گردشگری صنعتی است که توجه به آن می تواند وابستگی ما را به اقتصاد تک محصولی قطع کرده و کشور را به سمت پیشرفت همه جانبه و پایدار سوق دهد امروزه صنعت گردشگری یا توریسم به عنوان یکی از ابزارها و راه کارهای مناسب جهت کسب در آمد و شکوفایی اقتصاد دولتها و ملتها از یک طرف و توسعه و آبادانی مناطق در نقاط مختلف دنیا از طرف دیگر مطرح می باشد این صنعت در حالی که در آمد جهانی آن همه ساله بالغ بر صدها میلیارد دلار است
. و کشورمان نیز از جمله مناطق پر استعداد در این زمینه به شمار می رود و جاذبه های فراوان طبیعی-تاریخی و فرهنگی آن زیانزد خاص و عام است، از این سفره گسترده کمترین بهره را دارا می باشد. (ضرغام/۸۲/ص ۳۴۷)

قضاوت خبرگان: روش و متدولوژی است که بر استفاده از نظر و قضاوت خبرگان بر مبنای ایده آفرینی، تبیین و تشخیص متغیرها، روابط علت و معلولی بین آنها و میزان تاثیرشان استوار است. پس از کسب اطلاعات لازم از ایده های خبرگان با استفاده از تئوری گراف و یا استفاده از روش های ISM^۱، DEMATEL^۲ و Cog. M^۳ می توان از نظرات و ایده های خبرگان، به راهکارها رسید.

▪ ایده آفرینی^۴: روش های لازم، برای کسب ایده ها و نظرات، استنباط و استخراج قضاوت خبرگان است. از جمله این روش ها می توان به توفان مغزی^۵ و فکرنویسی اشاره کرد.
. در صورتی که به استخراج و رتبه بندی ایده ها نیازمند باشیم بایستی از روش های NGT^۶، دلفی^۷ و کنفرانسی^۸ استفاده کرد.

▪ منطقه زاگرس:

^۱ Interpretive Structural Modeling (ISM)

^۲ Decision Making Trial and Evaluation Laboratory (DEMATEL)

^۳ Cognitive Map (Cog. M)

^۴ Idea generation

^۵ Brain Storming

^۶ Nominal Group Technique(NGT)

^۷ Delphi Method

^۸ Conference

زاگرس رشته‌کوهی در غرب و جنوب ایران است. این رشته‌کوه از کرانه‌های دریایچه وان در کردستان ترکیه آغاز شده و پس از گذشتن از استان‌های آذربایجان، کردستان، کرمانشاه و اصفهان و چهارمحال و بختیاری و خوزستان و لرستان تا استان‌های فارس و کرمان ادامه می‌یابد. دامنه این رشته‌کوه به شمال عراق نیز امتداد دارد.

بعضی معتقدند ریشه این نام اوستایی است. در زبان اوستایی زاگر 'Za-G'R' به معنای کوه بزرگ است. اما نظری نیز هست این است که این کلمه از نام مهاجران هندواروپایی ساکن در این منطقه معروف به ساگارتی گرفته شده.

نام قدیمی این رشته‌کوه در زبان فارسی «پاطاق» که نام رشته‌کوهی معروف در استان کرمانشاه نیز هست بوده و پیش از آن «کهستان» (در عربی «جبال») و «پهله» بود.

واژه «زاگرس» یا «زاگروس» از بیش از هشت دهه پیش و از اواخر دوره فاجار از طریق ترجمه آثار نویسندگان اروپایی (و بعضاً از زبان یونانی) وارد زبان فارسی شده و سپس بر روی نقشه ایران نیز گذاشته شد.

ظاهراً حسن پیرنیا اولین کسی است که واژه زاگرس را در حاشیه صفحه ۲ کتاب خود بنام «تاریخ ایران از آغاز تا انقراض ساسانیان» آورده است. او خود تأکید نموده که اروپایی‌ها چنین (یعنی زاگرس) نامند

بعد از نوشته پیرنیا بارها به اشتباه از زاگرس به نام کوه یا دره نام برده شد که برداشت نادرستی است زیرا واژه زاگرس بخش گسترده‌ای از شمال غربی تا جنوب شرقی ایران را با بیش از ۲۴۰ نام از رشته‌کوه، دشت، دره، رود و شهر و بخش و روستا در استان‌های آذربایجان، کردستان، کرمانشاه و اصفهان و چهارمحال و بختیاری و خوزستان و بالاخره لرستان را شامل می‌شود.

واژه زاگرس در هیچ یک از کتابهای تاریخی و جغرافیایی یا مسالک و الممالک و نوشته‌های دوره اسلامی نوشته نشده است. در لغت‌نامه دهخدا یا دایرةالمعارف مصاحب نیز نکته‌ای مهم و اساسی در باره ریشه و اصل واژه زاگرس بیان نشده است.

محمد قزوینی در صفحه ۴۸ از جلد ۵ کتاب خود می‌نویسد: زاگرس نام یونانی سلسله جبال غربی ایران به خصوص منطقه بختیاری در غرب ایران است

در دانشنامه لاروس از زاگرس به کوتاهی به‌عنوان نام دره‌ای که نفتخیز است ذکر شده است.

در واژه‌نامه یونانی به آلمانی که سال ۱۸۸۶ در لایپزیگ به چاپ رسیده واژه Zagrio یا Zagros را به‌عنوان «کوهی در دوران ماد» به نقل از نوشته‌های استرابون و پولی بیوس آورده است.



دید از زاگرس از آسمان، سپتامبر ۱۹۹۱

زردکوه



کوه‌ها:

اشترانکوه، شرق لرستان

نیمه شمالی رشته کوه زاگرس در دوره ایران باستان محل زندگی مادها بوده است. بلندترین قله‌های این رشته کوه زردکوه بختیاری (۴۲۲۱ متر)، دنا (۴۴۰۹ متر) و اشتران کوه (۴۲۵۰) و بل (۳۹۴۳ متر) در جنوب شهر اقلید نام دارند.



زردکوه بختیاری با ارتفاع ۴۲۲۱ متر در در نزدیکی شهرستان کوهرنگ در استان چهار محال و بختیاری قرار دارد. زردکوه بختیاری در تمام طول سال پوشیده از برف بوده و سرچشمه اصلی رودخانه‌های زاینده‌رود و کارون است .

اشترانکوه با ارتفاع ۴۲۵۰ متر در جنوب شهرستان‌های الیگودرز و ازنا بلندترین قله زاگرس میانی است که دارای هشت قله بلند و به هم پیوسته است که در تمام طول سال پوشیده از برف است. سرچشمه اصلی رود دز و یکی از سرچشمه‌های کارون و کرخه است. دریاچه گهر نیز در این رشته کوه قرار گرفته است. قالی کوه در جنوب شهرستان الیگودرز قرار دارد نیز با ارتفاع ۴۰۲۸ متر جز قله‌های بلند زاگرس محسوب می‌شود. آبشار آب سفید نیز در این ناحیه از رشته کوه زاگرس قرار دارد منطقه قالی کوه پناهگاه حیوانات وحشی بسیاری است . دنا با ارتفاع ۴۴۰۹ متر بلندترین ارتفاعات زاگرس می‌باشد و از ۴۴ قله مرتفع بالای ۴۰۰۰ متر تشکیل شده است و بیش از ۶۰ کیلومتر طول دارد.

واژ لحاظ موقعیت جغرافیایی در جنوب استان اصفهان و استان چهارمحال و بختیاری، شمال غربی استان فارس، شهرستان اقلید، ولی بخش اعظم آن در شمال شرقی استان کهگیلویه و بویراحمد قرار دارد. در تمام سال پوشیده از برف است واز سرچشمه‌های کارون و همچنین رود مارون می‌باشد. یکی از کم نظیرترین منابع انواع واقسام گیاهان دارویی در دنیا است.

بلندی‌های زاگرس حوضه آبخیز رودخانه‌های زاینده‌رود، کارون و کرخه و دز را تشکیل می‌دهد و با توجه به حجم بارش و پایین بودن سطح تبخیر و موقعیت نسبتاً مناسب سازندهای زمین‌شناختی بخش اعظم آب‌های زمینی و زیرزمینی کشور به میزان ۴۵ تا ۵۰ درصد را تأمین می‌کند.(www.wikipedia.org)

۲- معرفی سه استان :

در این بخش به معرفی سه استان همدان، کرمانشاه و کردستان از نظر ویژگی‌های فرهنگی و هنری، صنایع دستی، آداب و رسوم و ... خواهیم پرداخت:

۱-۲) استان همدان :

استان همدان در گستره‌های به مساحت ۱۹۴۹۳ کیلومتر مربع در غرب ایران بین ۳۳ درجه و ۵۹ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۴۸ دقیقه عرض شمالی و ۴۷ درجه و ۳۴ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار گرفته است. این استان از شمال به استان های زنجان و قزوین ، از جنوب به استان لرستان ، از شرق به استان مرکزی و از غرب به استان کرمانشاه و قسمتی از استان کردستان محدود است . (ابراهیمی/۸۲/ص ۱۵)

استان همدان از دورترین زمان محل استقرار و نشو و نماي تمدن های باستانی بوده است نتایج مطالعات و کاوش های باستان شناسان می دهد که مردمان ساکن استان در شش هزار سال پیش ، از فرهنگ و تمدن نسبتا پیشرفته ای بر خوردار بوده اند. ظروف سفالین منقوش به دست آمده از آنان از لحاظ هنری و صنعتی گویای این امر است همچنین کاوش ها و بررسی های مختصر صورت گرفته بر روی تپه های باستانی نقاط مختلف استان نشان دهنده گسترش تمدن های پیش از تاریخ در نقاط مختلف و استمرار آنها طی چندین هزار سال است. در قدیمی ترین سنگ نوشته آشوری ، از همدان به عنوان "آکسایا" به معنی شهر کاسیان نام برده شده است و این امر نشان می دهد که پیشینه مدنیت شهر همدان حداقل به هزار سوم قبل از میلاد باز می گردد. (ابراهیمی/۸۲/ص ۲۳)



۱-۱-۲) ویژگی های فرهنگی و هنری در استان همدان :

دراستان همدان اقوام گوناگون با فرهنگ های ویژه زندگی می کنند که فرهنگ ، آداب و رسوم و سنت های این اقوام ، تا اندازه ای از یکدیگر تاثیر پذیرفته است . فارس ها ، ترک ها ، لرها ، و کردها از جمله قوم هایی هستند که درسراسر استان درکنار هم زندگی می کنند .

هریک از این قوم ها به زبان های مادری خود صحبت می کنند ، ولی زبان فارسی و آذری وجه غالب گویش استان را تشکیل می دهد . زبان فارسی در مکالمات محاوره ای با فارسی رایج در دیگر نقاط ایران از نظر تلفظ واژه ها فرق می کند و لهجه ای ویژه دارد . بدین گونه ، تفاوت زبان و لهجه در سطح استان به خوبی مشاهده می شود . این زبان ها عبارتند از :

- زبان فارسی که بیشتر ساکنان مرکز استان با آن سخن می گویند .
- زبان ترکی که مردم شمال و غرب استان به آن تکلم می کنند.

- زبان لری و لکی که ساکنان ملایر ، نهاوند وسامن با ان سخن می گویند .
- زبان کردی که بیشتر ساکنان شمال غرب و غرب استان در نزدیکی استان های کرمانشاه و کردستان به این زبان حرف می زنند.

۲-۱-۲) جشن ها و سرورها در استان همدان :

- **جشن های مرسوم در استان همدان :**
- مانند دیگر نقاط ایران به دو گروه جشن های مذهبی و ملی تقسیم می شوند . جشن های مذهبی عید هایی هستند که در روز تولد امامان و معصومان ، عید قربان ، عید غدیر خم، عید فطر و دیگر عید ها برگزار می شود. در چنین روزهایی ، خیابان ها آذین بندی می شوند و صاحبان مغازه ها با نقل و شیرینی از مردم پذیرایی می کنند . مردم درمسجد ها و تکیه ها گرد هم می آیند و مراسم خاص مذهبی مانند نماز خواندن ، گوش دادن به وعظ و مانند و نظایر آن را برگزار می کنند.
- از جشن های ملی می توان به جشن نوروز باستانی اشاره کرد که مانند دیگر نقاط ایران با ویژگی های کم و بیش مشابه برگزار می شود .خانه تکانی ، کاشت سبزه ، خرید وسایل ولیاس نو برای خود و افراد خانواده ، دور ریختن وسایل شکسته و کهنه،برگزاری مراسم چهارشنبه سوری و پریدن از روی آتش،فال گوش ایستادن،قاشق زنی و جز آن،از جمله مراسمی است که همزمان با فرا رسیدن سال نو برگزار می شود . مردم سال نو را با پختن سبزی پلو با ماهی،چیدن سفره هفت سین و گذاشتن آینه و قرآن و ماهی و شیرینی در کنار سفره هفت سین گرامی میدارند.آن ها در هنگام تحویل سال ،همه چراغ های خانه را روشن می کنند و با روشنی و نور وارد سال نو می شوند.عیدی دادن به افراد خانواده،از دیگر رسم های عید نوروز است که با دید و بازدیدهای نوروزی و تبریک سال نو به یکدیگر ،مراسم نوروزی را تکمیل می کند.
- از جشن هایی که مردم در سطح استان برگزار می کنند،می توان به جشن عروسی،تولد نوزاد و جشن ختنه سوران اشاره کرد.مراسم عروسی و خواستگاری و مراسم مربوط به آن آغاز می شود و با مراسم شب بله برون یا نامزدی ادامه می یابد.در این مرحله از مراسم ،برای عروس و داماد خرید می کنند که شامل طلا و زیور و لباس عروس و حلقه های نامزدی برای عروس و داماد است.پس از برگزاری مراسم عقد کنان ،نوبت به شب حنا بندان می رسد که با شادی و هلهله ای ویژه برگزار می شود:حنا همراه تشریفات ویژه از خانه داماد به خانه عروس برده می شود و هر کس مقداری از حنا را بر می دارد،بر کف دست خود می گذارد و برای عروس و داماد آرزوی خوشبختی و سعادت می کند.
- مراسم بله برون یا شیرینی خوران نیز مانند مراسم حنا بندان در خانه عروس برگزار می شود و طی آن خانواده داماد یک کله قند با گل و شیرینی به خانه عروس می برند و پس از توافق های انجام شده در زمینه مقدار مهریه و شیر بها و تاریخ عروسی ،قندی را که خانواده داماد آورده است بزرگ خانواده یا ریش سفید محل می شکند و عروسی را تبریک می گوید.

آنچه در گذشته در این شهر مرسوم بوده و امروزه آثار آن را در روستاها یا خانواده های سنتی می توان دید،"رخت بران"است که در فردای روز "شیرینی خوران"یا "بله برون"انجام می گیرد ،بدین گونه وقتی برای خرید می روند،برای عروس پارچه هم می خردند و برای دوختن آن ،یا خیاط را به خانه دعوت می کنندیا پارچه را به خیاط خانه می برند و دستور بریدن و دوختن آن را می دهند.

شب عروسی با جشن و سرور و هلهله و شادی همراه است.خانواده های عروس و داماد برای آوردن دختر به همراه میهمانان خود به خانه پدری عروس و داماد به شادی می پردازند و نزدیک نیمه شب ،خانواده داماد برای آوردن دختر به همراه میهمانان خود به خانه پدر عروس می روند.در جریان آوردن عروس،معمولا خویشان داماد وسائلی را از خانه عروس "دزدکی"بر می دارند و معتقدند انجام ندادن آن بد شگون است.پس از بردن عروس از خانه پدری ،مدتی او را با خودرو (امروزه)در خیابان ها و محله های اطراف خانه پدری می گردانند و سپس به خانه داماد می برند.

در فردای روز عروسی ،مراسم "پای تخت"(پا تختی)برگزار می شود.در این مراسم ،خانواده عروس و دوستان و آشنایان برای دیدار از عروس و داماد وآرزوی خوشبختی برای آن ها در آغاز زندگی مشترکشان به خانه داماد دعوت می شوند و آن ها هدیه خود را در این روز تحویل می دهند.خانواده عروس هم در این روز "شیرین پلو"می پزند و آن را برای برگزاری مراسم "پای تخت"به خانه داماد می برند.

از جشن های مرسوم دیگر در استان همدان "جشن هفت نوزاد"است این مراسم همراه با میهمانی برگزار می شود.به هنگام اذان مغرب ،اذان و اقامه را همراه با شهادتین در گوش نوزاد می خوانند ونام هایی را که برای او برگزیده اند در لابلای اوراق قرآن مجید قرار می دهند و اسمی را که از لای ورق قرآن مجید بیرون آید ،روی نوزاد می گذارند.

برگزاری مراسم "جشن تولد" نیز در این خطه چون دیگر نقاط کشور مرسوم شده است. در این مراسم، والدین کودک روز تولد را جشن می‌گیرند و از میهمانان دعوت شده پذیرایی می‌کنند. دعوت شدگان از دوستان کودک یا افراد فامیل هستند و با تقدیم هدیه ای، این روز را گرامی می‌دارند.

"جشن ختنه سوران" یکی دیگر از مراسم منطقه است که امروزه کم و بیش منسوخ شده است و معمولاً پدر و مادرها، کودکان خود را در دوره نوزادی در بیمارستان‌ها یا کلینیک‌های خصوصی ختنه می‌کنند.

۲-۱-۲) سوگ‌ها و عزاه‌ها در استان همدان :

برگزاری مراسم عزاداری در استان همدان دارای ویژگی‌های چندانی نیست و مانند بسیاری از شهرهای دیگر ایران صورت می‌گیرد عمده‌ترین عزاداری‌های مردم استان، علاوه بر سوگ و عزاداری شخصی در غم فوت نزدیکان و خویشان، عزاداری ماه‌های محرم و صفر و سالروز شهادت ائمه اطهار است. مراسم سوگواری شخصی در سه مرحله شب سوم، هفتم و چهلم متوفی برگزار می‌شود و نیز هر شب جمعه بر سر گور عزیزان خود می‌روند و به فاتحه خواندن و دادن خیرات می‌پردازند. جمعه آخر سال، با این اعتقاد که مرده‌ها چشم انتظارند، با هر وسیله‌ای که شده خود را به گورستان می‌رسانند و بر سر خاک مردگان خود، مراسم فاتحه و پخش خیرات برگزار می‌کنند.

در مراسم عزاداری ماه محرم، مانند دیگر نقاط کشور، مراسم سینه زنی، زنجیر زنی، حضور در مسجدها و تکایا و گوش دادن به سخنرانی و وعظ روحانیون برگزار می‌شود و تا سیزدهم ماه محرم ادامه می‌یابد. این مراسم در اربعین شهادت امام حسین (ع) نیز به همان ترتیب انجام می‌شود. در روزهای عاشورا و تاسوعا، مردم از روفتن و پاکیزه کردن خانه و پختن غذا خوداری می‌کنند و ترجیح می‌دهند غذا را از راه نذوراتی که در این روز داده می‌شود، تهیه کنند.

۲-۱-۳) موسیقی و رقص بومی در استان همدان :

در زمینه موسیقی و رقص‌های بومی استان همدان، تحقیق مشخصی صورت نگرفته اما شواهد امر حاکی از آن است که قوم‌های ساکن در این منطقه به پیروی از سنت‌های فرهنگی و هنری خود، نوعی از رقص و موسیقی بومی را حفظ کرده‌اند. برای نمونه، اقوام آذری زبان همدان دارای موسیقی "عاشیقی" و رقص‌های عامیانه‌اند و اقوام کرد از اشکال موسیقی و رقص کردی متأثرند. رقص "جایان" یکی از رقص‌های معروف کردها است که در منطقه رایج است. اقوام لر و لک نیز رقص و موسیقی خود را دارند که کم و بیش به موسیقی و رقص کردها شبیه است. در مراکز شهری استان همدان، گروه‌های موسیقی ایرانی تحت نظر اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی فعالیت می‌کنند.

۲-۱-۴) صنایع دستی و سوغات استان همدان :

بر پایه تعریف شورای صنایع دستی ایران، صنایع دستی فرآورده‌ای است که همه یا بخشی از مراحل ساخت آن با دست انجام گیرد و در چارچوب فرهنگ و بینش فلسفی و ذوق هنری هر منطقه - با توجه به میراث قومی- ساخته و پرداخته شود.

استان همدان از مناطقی است که فرآورده‌های دستی آن از شهرتی بسزا در سطح کشور برخوردار است و حتی برخی از صنایع دستی آن مانند صنعت سفالگری اهمیت صادراتی و جهانی دارد. این نوع از صنایع دستی، علاوه بر جنبه مصرفی، از ویژگی‌های هنری برخوردارند که به صورت طرح‌ها، نقوش و رنگ‌های گوناگون متجلی می‌شوند.

برجسته‌ترین صنعت دستی استان، سفالگری و سرامیک‌سازی است که مرکز عمده آن "لالجین" در ۳۰ کیلومتری شهر همدان است. پیشینه سفال‌سازی در لالجین نزدیک ۷۰۰ سال برآورد شده است. در حال حاضر در حدود ۷۰۰ کارگاه با ۱۸۰۰ کارگر در لالجین به سفالگری و سرامیک‌سازی می‌پردازند، تا ۱۵ درصد از سفال تولید شده در استان مصرف می‌شود و بقیه به دیگر نقاط ایران و خارج از کشور صادر می‌شود.

علاوه بر صنعت سفالگری و سفال‌سازی، صنایع دیگری مانند گلیم بافی، قالیبافی، و دوخت لباس نیز در سطح استان وجود دارد که عمدتاً در میان عشایر مرسوم است. (زنده دل/۷۶/ص ۱۰۹)

▪ منبت کاری:

یکی از هنرهای دیرینه در استان همدان منبت کاری است. در این استان برای منبت کاری معمولاً از چوب آبنوس، شمشاد و گردو استفاده می‌شود. چوب گردو و آبنوس از آنجا که استحکام بیشتری

برخوردارند، دوام بیشتر دارند. به دلیل فراوانی درخت گردو در این استان، این چوب بیش از انواع دیگر کاربرد دارد.

تولید این محصول در مناطق شهری تویسرکان، ملایر و سرکان رواج دارد. در سال های اخیر علاوه بر این شهرها در روستاهای جیحان کوه و اشتر مل از توابع تویسرکان این هنر به حدی رشد یافته است که به یکی از مراکز مهم این رشته از نظر کمی و کیفی بدل شده است. علاوه بر این در روستاهای دهنو، آوزمان، حسین آباد شاملو و بخش جوکار ملایر نیز این صنعت رشد چشمگیری داشته است.

سفال: سفال لالچین از شهرت بسیار برخوردار است و در این شهر عده زیادی به تولید محصولات سفال و سرامیک می پردازند. برمبنای آمار، تعداد کارگاه های تولید سفال لالچین بیش از ۸۲۰ کارگاه است و این امر موجب شده که بیشترین سطح اشتغال در استان همدان به لالچین یابد. کوزه، گلدان، پارچ و لیوان، انواع کاسه و بشقاب و... با طرح ها و رنگ های زیبا از تولیدات لالچین است.

چرم و مصنوعات چرمی: صناعت چرم در همدان از دیر باز رواج داشته است. دباغخانه های متعددی که در گذشته در ملایر، نهاوند و همدان وجود داشت، دلایلی بر این مدعا است. امروزه پوست های گاو و گوسفند از شهرهای مختلف، به همدان منتقل شده و در دباغخانه آنجا به چرم تبدیل می شود. بخشی از این چرم در استان مصرف شده و بقیه آن از طریق تهران و تبریز به بازارهای بزرگ راه می یابد.

تولید چرم دستی در این استان موجب مقاومت بیشتر این مصنوعات در برابر تولیدات چرم ماشینی می شود. تولید انواع محصولات چرمی مانند کیف، کفش، کمربند و وسایل تزئینی چون تابلو و گلدان در این استان از شهرت برخوردار است.

قالی بافی: قالی استان همدان در داخل و خارج کشور دارای طرفداران قابل توجهی است و قالیچه های ذرع و نیم، ذرع و چارک استان از شهرت برخوردار دارند.

در استان همدان هنرمندان قالی باف در بیش از هزار روستا و نیز در شهرهای همدان، ملایر، نهاوند، تویسرکان، کیودر آهنگ و بهار به تولید قالی می پردازند. در استان همدان بیش از ۸۵۰۰۰ دستگاه دار قالی به بافت قالی های پشمی و ابریشمی اشتغال دارند.

گلیم بافی: بافت گلیم و جاجیم در گذشته در بیشتر روستاهای استان همدان از رونق زیادی برخوردار بود، ولی در حاضر در برخی از روستاها که بیشتر در شهرستان همدان و ملایر متمرکز هستند، می توان شاهد تولید گلیم و جاجیم بود. روستاهای دشته، قهاوند، میرج بخش شرا و روستای دفسر بیشتر به تولید گلیم و جاجیم می پردازند.

گیوه بافی و آجیده دوزی: از صنایع دستی رایج در استان همدان گیوه بافی است و تعدادی از روستاها به تولید گیوه اشتغال دارند. رویه گیوه از نخ پنبه ای تابیده شده و زیره آن از چرم یا آجیده است.

بافت رویه گیوه بیشتر در روستاهای دهفول، کفراش و فهوروند در نهاوند و روستای آرتمان تویسرکان و بافت زیره آجیده در علی آباد دق از توابع ملایر رایج است. (ابراهیمی/۸۲/ص ۶۵)

رسم ایرانیان، از دیر باز تا کنون چنین بوده است که معمولا در هر سفر، ره آوردی به نام سوغات خریداری می کنند و بازگشت به وطن، به بستگان و نزدیکان خود هدیه می کنند و از همین رهگذر نیز، هر شهر و دیاری به فراخور مزیت های نسبی خود، برای مسافران وارده، تحفه هایی دارند.

از سوغات استان همدان میتوان به دانه های روغنی آفتابگردان نهاوند، انگور ملایر، کشمش تیزابی ملایر، عسل کوهستان الوند و شهرهای سامن، همدان، اسدآباد، تویسرکان و نهاوند، گردو تویسرکان، شیره انگور ملایر، باسلق ملایر، نقل چای تویسرکان، سنلواشکونقل جای نهاوند و حلوا شکری همدان، انگشت پیچ و شیرمال همدان و صابون محلی تویسرکان می توان اشاره کرد. (فاطمی/۸۰/ص ۱۲۸)

۲-۲) استان کردستان:

استان کردستان با مساحتی حدود ۲۸۱۲۲۵ کیلومتر مربع در غرب ایران، در مجاورت خاک عراق بین ۳۴ درجه و ۴۴ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۳۰ دقیقه عرضی شمالی و ۴۲ درجه و ۳۱ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۱۶ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار دارد.

استان کردستان از شمال به استان های آذربایجان غربی و زنجان و از مشرق به استان همدان و بخش دیگری از استان زنجان، از جنوب به استان کرمانشاه و از مغرب به کشور عراق محدود است. (زارعی/۸۱/ص ۲۱)

استان کردستان بخشی از سرزمینی است که تحت سکونت مادها اداره می شد. (زارعی/۸۱/ص ۲۷)

کردستان ترکیبی از واژه "کرد" و "پسوند" "ستان" به معنی محل است. کردستان محل و سرزمین کردها است سرزمینی است که در کشور پهناور ایران قرار دارد. حمدالله مستوفی حدود کردستان را ولایت عراق عرب، خوزستان، عراق عجم، آذربایجان و "دیار بکر" دانسته و شانزده ولایت را جزو آن شمرده است. (زارعی/۸۱/ص ۳۳)



۱-۲-۳) ویژگی های فرهنگی و هنری استان کردستان :

استان کردستان از لحاظ فرهنگی سابقه بسیار جالب توجهی دارد که نظیر آن در سایر نقاط ایران کمتر دیده می شود. زبان، شعر، رقص، موسیقی، آداب و رسوم به جای مانده در این پهنه از سرزمین ایران قدمتی دیرینه دارد. زبان کردی یکی از زبانهای گروه هندی-اروپایی است و دستور زبان ویژه‌ای دارد. این زبان در ایران چند شاخه مشخص و مجزا دارد:

- الف-شاخه کرمانشاهی که در استان کرمانشاه رایج است.
- ب-شاخه اورامی که یک لهجه بسیار قدیمی با اصالت تاریخی است که در قسمت های جنوبی شهرستان مریان و در شهرستان پاوه از استان کرمانشاه به این زبان تکلم می شود. ادبیات مکتوبی به این شاخه از زبان کردی وجود دارد که از آن جمله می توان به کتاب مذهبی "معرفت پیر" اشاره کرد.
- ج-شاخه سورانی که در قسمت اعظم استان کردستان تکلم می شود و ادبیات مکتوب و کتاب های مذهبی بسیاری به این زبان نوشته شده است. این شاخه، مهم ترین و رایج ترین شاخه زبان کردی به شمار می آید. بعضی محققین زبان لری را هم شاخه ای از زبان کردی دانسته اند. تقریرات آیت الله مردوخ که در کتاب "تاریخ مردوخ" آمده است کردها را از حیث زبان به چهار شعبه کرماج، گوران، لروکلهر تقسیم می کند.

به طور کلی زبان کردی زبانی جدا از فارسی قدیم نیست، بلکه زبان پر بهایی است که بیشتر لغات و اصطلاحات فارسی قدیم را در خود حفظ کرده است. آثار بسیاری به گونه های مختلف کردی مربوط به قرن های دوم و سوم هجری در دست است که اکثرا آن ها از آثار عرفانی گروه پارسا یان اهل حق محسوب می شود.

مکتوبات و آثار به دست آمده نشان می دهد که قبل از اسلام ادیان مختلفی از قبیل مهر پرستی و زرتشتی در این منطقه وجود داشته است که به تدریج و با ترویج و گسترش دین مبین اسلام از صحنه خارج شده اند. دین مردم کردستان اسلام و بیشتر مردم آن پیرو مذهب تسنن (شافعی) و عده ای نیز پیرو مذهب تشیع هستند. تعدادی از پیروان اقلیت های مذهبی (یهودی و مسیحی) نیز در کردستان زندگی می کنند که بیشتر آن ها در شهرستان سنندج سکونت دارند.

۲-۲-۳) جشن ها و سرورها در استان کردستان :

در استان کردستان به تبعیت از تفاوت های مذهبی، مراسم جشن و سرور متفاوتی نیز برگزار می شود.

معمولا شیعی ها و سنی ها علیرغم وجوه اشتراک در بسیاری از مراسم و اعیاد مذهبی و دینی، مراسم متفاوتی را نیز برگزار می کنند. مراسم عید قربان، عید غدیر، تولد حضرت پیغمبر (ص) و سایر اعیاد دینی به طرز بسیار باشکوهی برگزار می شود. خصوصا عید مبعث که از سوی مردم سنی مذهب به شکل عالی و همراه با موسیقی مذهبی خاص در تمام نقاط استان برگزار می شود.

مردم سنی مذهب به عید نوروز بهای زیادی نمی دهند، ولی در بین شیعیان تقریباً مراسم عید مثل سایر جاهای ایران و به تبعیت از اعتقادات و باورهای دینی و مذهبی برگزار می شود. قبل از فرا رسیدن عید با افروختن آتش، رسیدن سال نو را گرامی می دارند و اعتقاد دارند که حضرت علی(ع) در عید نوروز به تخت خلافت نشسته است. از دیگر مراسم مربوط به فرا رسیدن عید نوروز علاوه بر افروختن آتش، می توان به مراسم رنگ کردن تخم مرغ، مراسم قاشق زنی، شال انداختن و گوش ایستادن در شب چهارشنبه سوری اشاره کرد که تقریباً در تمام مناطق کرد نشین غرب ایران مرسوم است.

۲-۲-۲) مراسم عروسی در استان کردستان:

یکی دیگر از مراسم جشن و سرور که به نحو با شکوهی و توأم با سرود و رقص و پایکوبی برگزار می شود، مراسم مربوط به عروسی و ازدواج است که در مناطق شهری و روستایی استان تقریباً یکسان است و فقط در مناطقی که جمعیت غیر بومی قابل توجهی دارند تحت تاثیر فرهنگ غیر کردی با اندک تفاوتی برگزار می شود، این مراسم شامل نامزدی، روباز کردن، خرید لباس عروس، عقد کنان، تعیین زمان عروسی، حنابندان، حمام بردن عروس و شب عروسی است که هر قسمت آن با هلهله، شادی و خواندن ترانه و سرود و رقص همراه است. مراسم عروسی بویژه در میان عشایر جلو ه ای از رنگارنگی لباس زنان را که مملو از طلب شادی مردم و بویژه زنان عشایر است نشان می دهد. عروسی عشایر کردستان نمایشگر فستیوال رنگ لباس و شادی است.

یکی از ویژگی های عروسی در بین کردهای عشایر، شب نشینی سنتی است که پیش از برگزاری جشن اصلی عروسی ترتیب داده می شود. این شب نشینی ها تا سال های اخیر بسته به بضاعت مالی خانواده های عروس و داماد بین سه تا هفت شب ادامه داشت، اما امروز به دلایلی به یک الی دو شب و گاهی به سه شب یا بیشتر محدود شده است.

مقدمات ازدواج پسران و دختران جوان بامجلس خواستگاری و گفتگو بر سر تعیین مهریه و خرید طلا و لباس توسط داماد برای عروس و تعیین تاریخ عقد و عروسی آغاز می شود. بعد از طی این مقدمات، مراسمی با عنوان شیرینی خوران برگزار می شود. که طی آن با اعلام نامزدی رسمی دختر و پسر، خطبه عقد نیز بین آنان جاری می شود و مراسم عروسی به زمان دیگری موکول می گردد.

با نزدیک شدن روز عروسی مجالس شب نشینی از سوی خانواده های دوطرف به طور جداگانه ترتیب می یابد که در آن از کلیه نزدیکان دو خانواده دعوت به عمل می آید.

با پایان یافتن شب نشینی روز عروسی فرا می رسد که در این روز نیز ضمن ادامه رقص و پایکوبی و دادن نهار به مهمانان، نزدیک عصر داماد در حالی که تعدادی از مهمانان خصوصاً دختران و پسران جوان وی را همراهی می کنند، به طرف خانه عروس حرکت می کنند و پس از صرف چای و شیرینی و کسب اجازه از والدین عروس، وی را به خانه داماد می آورند. و در اینجا شادی و نشاط حاضران به اوج خود می رسد.

عروس و داماد پس از ورود به محل برگزاری مراسم، وارد حلقه رقص شده و طبق یک سنت دیرینه هر یک به نوبت سر چوبی را در دست می گیرند و در حالی که جمع زیادی از دختران و پسران آنان را همراهی می کنند، دقایقی به آرامی به پایکوبی می پردازند. با رقص عروس و داماد، مبالغ هنگفتی از محل شایاش ها نصیب نوازندگان می شود.

با پایان یافتن جشن عروسی و پس از گذشت یک هفته، کلیه دعوت شدگان دو طرف به استثنای مردان و پسران، در منزل داماد جمع می شوند و با برگزاری مراسم دیگری که گستردگی مراسم شب نشینی و عروسی را ندارد، هدایایی خود را که عمدتاً شامل پول نقد است به عروس و داماد اهداء می کنند. این هدایا که در زندگی جدید زوج های جوان و جبران هزینه های عروسی آنان ارائه می شود و هر کسی تلاش می کند که هدیه اش ارزشمند تر از هدیه دیگری باشد.

۲-۲-۴) سوگ ها و عزاهای ملی، مذهبی در استان کردستان:

برگزاری مراسم سوگ و عزا از دیر باز در بین اقوام کرد مرسوم است و به دو صورت عزاهای عمومی و خانوادگی برگزار می شود. مراسم عزا و سوگ های مذهبی در بین شیعیان از رونق و رواج به سزایی برخوردار است و تقریباً مثل سایر نقاط ایران برگزار می شود و شامل سینه زنی و زنجیر زنی و... است.

۲-۲-۵) موسیقی بومی در استان کردستان:

موسیقی کردی یکی از بارزترین ویژگی فرهنگی قوم کرد است. طراوت، شادابی، فضای عرفانی و در هم آمیختگی مضامین با تاریخ گذشته کردها، نیمی از خصوصیات آن است. این خصوصیات در بعضی موارد ارتباط تنگاتنگی با افکار و باورها تاریخی، مذهبی و قومی مردم کرد دارند. آهنگ "هوره" را می توان نمونه بارز این موسیقی به حساب آورد که همان نیایش "هورا" است و ظاهراً به همان شیوه اجرایی اولیه خود نیز باقی مانده است. بعضی از آهنگ های کردی هرچند که نتوانسته است جای شایسته ای را در موسیقی اصیل ایرانی احراز کند، ولی گوشه های گمشده ای از آن ها هستند که در طی قرون و اعصار به بونه فراموشی سپرده شده اند. این نوع آهنگ ها از نظر مفهوم و مضامین با دستگاه های موسیقی ایرانی همساز نزدیک دارند که از آن جمله می توان به "الله وسی"، "یای نه زال"، "قطار"، "حیران"، "گول" و "سوره گل" اشاره نمود که به ترتیب با راست پنجگاه، بیات ترک، بیات اصفهان، شور و شوشتری همگنی (همسانی) خاصی دارند.

آلاتی که در موسیقی کردی مورد استفاده قرار می گیرند عبارت اند از: دف، شمشال، نی، رمانا (بالابان) قیچک، انبان (در موسیقی مذهبی) توزه له، دهل، سروناز و...

شیوه اجرا و نحوه استفاده از آلات فوق الذکر در نقاط مختلف کردنشین تفاوت هایی دارد، ولی در کل از یک اسلوب و شیوه واحدی که عمدتاً از موسیقی نواحی مرکزی کردستان متأثر است، پیروی می کنند. در مراسم جشن و سرور و عروسی ها، نوای دلنشین موسیقی کردی شادی بخش دلها ی برگزار کنندگان و شرکت کنندگان آن است.

شیوه اجرا، طراوت و تازگی، در آمیختگی با باورها و سنن کردها و خصوصیات دیگر موسیقی کردی از جمله عناصری است که می توانند به عنوان جاذبه های خاص فرهنگی و قومی منطقه مورد توجه و علاقه شیفتگان فرهنگ و هنر مردم در عرصه صنعت جهانگردی قرار گیرند.

نوع دیگر از موسیقی کردی موسیقی مذهبی است که در مناسبت های خاص مذهبی اجرا می شوند. عید بعث حضرت محمد (ص) و اعیاد دیگر مذهبی از جمله مناسبت هایی است که کردها منویات قلبی خود را با نواختن دهل و دیگر آلات موسیقی به معرض نمایش می گذارند. همچنین دروایش و پیروان و مریدان اهل طریقت با اجرای آهنگ های خاص در تکایا و مراکز مربوط به خود، نوعی از موسیقی را به نمایش می گذارند که جزو موسیقی مذهبی کرد محسوب می شود و از خصوصیات برجسته قابل توجهی برخوردار است.

۲-۲-۵) رقص های محلی در استان کردستان:

رقص های محلی و بومی این استان هم از نظر مضمون و هم از نظر شکل در خور توجه ویژه است. این رقص ها در مراسم شادی و سرور اجرا می شود. رقص کردی عمدتاً به شکل گروهی است و حرکات فیزیکی موزون و هماهنگی دلپذیر دارد. معمولاً رقص ها کمتر به شکل انفرادی و بیشتر با شرکت زنان و مردان اجرا می شود. این رقص همراه با حرکات موزون از محتوا و مضمون خاصی برخوردار است و نشان دهنده باورها و خصوصیات قومی و فرهنگی مردم کرد است. رقص معروف به "چارماق" از عمده ترین رقص های محلی است که امروزه نیز در مواقع خاصی در تمام شهرها و به ویژه در روستاها و قبایل کوچ نشین به اجرا در می آید.

علاوه بر رقص هایی که در مراسم شادی و جشن ها اجرا می شود، در این استان رقص های ویژه ای نیز وجود دارد که می توان آن ها را رقص های مذهبی و اعتقادی دانست.

استان کردستان یکی از مراکز عمده تصوف و عرفان کشور است. در این منطقه فرقه های صوفیه همچون خاکساریه، نقشبندیه، نعمت الهی و قادریه هر ساله در روزهای معینی مراسم ویژه خود را برگزار می کنند که رقص جزء لاینفک آن است. برای نمونه آئین ها، رسوم و حال و هوای یک مجلس مربوط به دراویش قادری که از مهم ترین سلسله های تصوف کردستان به حساب می آید در زیر مورد اشاره قرار

می گیرد:

خانقاه که گاهی تکیه، زاویه و رباط نیز گفته می شود، محل اجتماع درویشان است. در خانقاه اوراد و اذکار و ریاضات و چله نشینی ها رایج است. در مجالس درویشان معمولاً یک نفر قوال یا حتی خود خلیفه ترانه هایی عاشقانه یا عارفانه همراه با دف و نی یا حتی تار می خواند و دراویش حلقه وار بر زمین می نشینند و معمولاً خاموش و آرام هستند. سرها به زیرنفس ها در سینه حبس است و ناگاه درویشی به وجد می آید، نعره می زند و خود را پیچ و تاب می دهد. پاره ای دچار رعشه و لرزش می شوند. این شور معمولاً به جمع هم سرایت می کند و کم کم تمام

حاضران در مجلس به پایکوبی و دست افشانی بر می خیزند. در این مرحله صدای دف و آواز فریاد به اوج می رسد. درویشی خرقة خود را می درد، دیگری فریادهای بیهشانه می کشد، کسانی هم از خود بی خود می شوند و بر خاک می افتند، در این حالت خود انگیزگی که با هیجانات شدید همراه است، خنجرها به بیرون کشیده می شوند، سیخ ها یک به یک بر اعضا و جوارح فرو می روند. یک نفر سیم عریان برق را در دستانش گرفته است و درویشی دیگر زهر و سم بر حفره دهانش سرازیر می کند. کسانی دیگر آتش و شیشه را چون خوراکی می خورند. در این هیاهو چند نفر خنجرهایی را بر فرق سر خویش می کوبند و در جایی دیگر درویشی پهلوی خود را با خنجر می درد.

در این مرحله که احساسات در اوج غلیان است، خلیفه وارد معرکه می شود و عنان هیجانات را به دست می گیرد و آرام آرام جمعیت را به آرامش فرا می خواند. جماعت در اویش اطاعت می کنند. خنجر و سیخ ها از تن ها خارج می شود، دف ها خاموش می شوند و آرامش به جمع باز می گردد. در اویش یک به یک خسته و عرق ریزان بر زمین جایی می گیرند. ختم مجلس اعلام می شود. آنهایی که زودتر به حالت عادی برگشته اند یک به یک محیط خانقاه را ترک می کنند. خلیفه در زاویه می نشیند و آمادگی خود را برای پذیرش خصوصی اشخاص و پاسخگویی به سوالات و ارشادات لازم اعلام می کند.

۶-۲-۳) مراسم ویژه محلی در استان کردستان:

مراسم پیر شهریار (شالیار): روستای اورامانات تحت یکی از فضاهای ویژه روستایی کردستان است که علاوه بر زیبایی چشم اندازها، به دلیل اجرای همه ساله مراسم بسیار باستانی و حیرت انگیز "پیر شهریار" قابلیت های ارزشمند جهانگردی دارد. آرامگاه پیر شهریار که به پیر شالیزار نیز معروف است از قدسین زرتشتی و زیارتگاه ها و معابد بسیار مورد احترام مردم این ناحیه می باشد. به روایتی پیر شالیار و مراسم آن از یادگاری های دوره پیش از اسلام است.

مراسم فوق در اواخر تابستان و به مدت یک هفته انجام می شود. مردم منطقه ابتدا در فصل تابستان، گردوهای درخت ها را می چینند و خشک می کنند و به منظور استفاده در این مراسم نگهداری می کنند. سپس در زمان انجام مراسم، بیچه ها به نمایندگی از جانب چند تن از بزرگان منطقه به درب منازل رفته و جهت تهیه آش مخصوص از مردم آرد و گوشت قربانی (گوسفند یا گاو) و مواد لازم دیگر را جمع آوری نموده و در ظرف خالی شده اجناس جمع آوری شده آن ها، تعدادی گردو می ریزند. سپس با آرد جمع آوری شده نان می پزند و مقداری از گردوهای سائیده شده را با خمیر نان مخلوط می کنند. معمولا خانمها هر روز به میزان قابل توجهی نان می پزند و در اختیار مردان جهت صرف نهار و شام قرار می دهند. صبح خیلی زود، تعدادی از مردان آشپز، دیگ ها را روی اجاق ها گذاشته و مقدار زیادی گوشت و سایر مواد داخل آن ها می ریزند و آش مخصوص می پزند و هنگام نهار و شام بین اهالی احسان می کنند.

هر روز پس از صرف نهار، مردها روی پشت بام وسیع یکی از منازل به رقص های گروهی عرفانی می پردازند. شیوه اجرای این رقص بدین شکل است که کلیه مردها دست ها را به کمر یکدیگر حلقه می کنند و آرام آرام می چرخند و تعدادی ما بین ۳ تا ۸ نفر نیز در وسط گروه رقص، دایره وار می چرخند و مرتباً سر هایشان را تکان می دهند و موهای بلند خودشان را آشفته می کنند و آن قدر این حرکات تکرار می شود که معمولاً چند تابی از آن ها از خود بیخود شده و چاقو، قیچی، سیخ کباب و... را در بدن خود فرو می کنند. برای اینکه اشخاص آسیبی به خود نرسانند دیگران جلو این افراد را به سرعت می گیرند.

پس از پایان رقص، شب هنگام وارد خانه ای که گویا خانه پیر بوده، می شوند و به خواندن اشعاری در وصف پیر می پردازند و آنگاه لنگه کفشی را که در صندوق یکی از اتاق ها است و معتقدند به پیر شالیار تعلق دارد، از صندوق یکی از اتاق ها است و معتقدند به پیر شالیار تعلق دارد، از صندوق در می آورند و دست به دست می دهند و با احترام خاص می بوسند و سپس در صندوق نگهداری می کنند.

روز آخر انجام مراسم، ماست و نان تهیه می کنند و به صورت گروهی به سمت آرامگاه پیر می روند و به محض ورود به محوطه باز آرامگاه، کفش ها را از پا در می آورند و پای برهنه، زمین را می بوسند و آنگاه به زیارت پیر مشغول می شوند و دستمال هایی نیز جهت گرفتن حاجت به دیوارها و درخت های محوطه آرامگاه می آویزند و سپس به خوردن نان و ماست می پردازند و برای خوردن آن تلاش زیاد می نمایند تا از خوردن آن بی بهره نمانند، زیرا معتقدند خوردن نان و ماست روز آخر در جوار آرامگاه پیر، تبرک است و در درمان بیماری ها نیز موثر است. غروب همان روز (روز هفتم) مراسم پایان می پذیرد.

۷-۲-۲) صنایع دستی و سوغات استان کردستان:

هنرهای سنتی از دیر باز در میان کردها رواج داشته و با توجه به شرایط خاص جغرافیایی از تنوع برخوردار بوده است تولید این آثار هم مصرف محلی دارد و هم از نظر اقتصادی در بهبود زندگی مردم منطقه موثر است.

مهم ترین هنرهای سنتی کردستان عبارتند از: دست بافت ها، قالی، گلیم، سجاده بافی (موج، جاجیم)، شال بافی و تهیه پارچه های پشمی، گیوه دوزی، نازک کاری، منبت کاری، معرق، سفالگری، نمذ مالی، زیور آلات محلی، سوزن دوزی، قرقره بافی، قلاب بافی، حصیر و سبد بافی، بافت سیاه چادر، فلز کاری، ساخت آلات موسیقی و ...

وجود آب و هوای سرد در شش ماه از سال در بیشتر مناطق این استان، موجب رویکرد بیشتر مردم به این تولیدات شده و یافته های زیبا و متنوع را به وجود می آورد. (زارعی/۸۱/ص ۷۶)

موج و جانماز:

موج در منازل به عنوان رختخواب پیچ و جانماز جهت ادای فریضه نماز مورد استفاده قرار می گیرد. بافت آنها اغلب در شهرهای سنندج و روستاهای آن مانند نوره، کلانته، بیاران، بانه، آرمرد و مریوان و حومه آن نظیر میانه و اورمان تخت، دزلی، کماله، سفز و حومه آن به ویژه روستای تارجان و بخش های کامیاران و دیواندره معمول است و گروهی از مردم از این راه امرار معاش می کنند. موج و جانماز اصولاً طی سفارش تولید می شود، ولی دستبافان محصول خود را راساً نیز به بازار عرضه می کنند.

از موج در ماه های سرد سال به عنوان رو انداز استفاده می شود. این پارچه برای پوشش تزیینی کرسی نیز به کار می رود و گاه آن را به عنوان پرده به درگاه می آویزند و به این وسیله از ورود سرما به داخل اتاق جلوگیری می کنند. (زارعی/۸۱/ص ۸۰)

صنعت موج بافی در اورامانات سابقه قابل توجهی دارد و موج بافان اغلب یا خود اورامی هستند یا استاد کاران اورامی داشته اند. به همین دلیل یکی از نقش های معروف موج، نقش اورامی است. (زارعی/۸۱/ص ۸۱)

شال بافی:

تولید این محصول بیشتر در شهرستان های بانه، مریوان، سفز و روستاهای تابعه مانند اورامان تخت، کماله، آرمرد و تارجان رایج است و دستبافان این مناطق با استفاده از نوعی کرک بز که پشم و کرک آن بسیار لطیف است، شال کلاه و دستکش نیز می بافند. همچنین نوعی شال به عرض ۲۵ سانتی متر و طول تقریبی ۲۵ متر در رنگ های مختلف تولید می کنند که در دوخت لباس های محلی مورد استفاده قرار می گیرد.

جاجیم بافی :

تقریباً در کلیه روستاهای کردستان جاجیم بافی مرسوم و متداول است و نیروی انسانی شاغل در این رشته ها عموماً زن هستند که به منظور رفع احتیاج خانوادگی به تولید این محصول می پردازند. از این رو فعالیت در این رشته به صورت خانگی است و در اوقات فراغت صورت می گیرد. ماده اولیه مورد مصرف آن پشم است که به عنوان تار و پود جاجیم مورد استفاده قرار می گیرد. ابزار کار جاجیم بافان شامل دستگاه بافندگی، ماکو و دیگر وسایل است.

گلیم و گلیمچه:

شهرستان بیجار و به ویژه شهرستان سنندج از قدیم مرکز تهیه و تولید گلیم و گلیمچه بوده است و محصولات تولیدی این شهرستان ها به علت مرغوبیت و طرح و شکل جالب، معروفیت به سزایی دارند. می توان گفت که گلیم های سنندج و بیجار در ایران بی نظیر است. در حال حاضر سنندج، بیجار و روستاهای اطراف آن عده زیادی از زن ها در زمان فراغت به تولید گلیم می پردازند. محصولات تهیه شده در سر تا سر کشور خریداران فراوان دارد و در حال حاضر نیز میزان تقاضای آن بیش از عرضه محصول است. در تولید گلیم از خامه پشمی و نخ پنبه ای به عنوان تار و پود استفاده می شود. ابزار کار گلیم بافان شامل دستگاه بافندگی عمده چوبی و یا آهنی، قیچی، دغه و سوکه است.

قالی بافی :

در میان فرشهای کردستان، قالی بیجار به استحکام، لطافت و نرمی مشهور است. از جمله نقش‌هایی که در فرش‌های بیجار دیده می‌شود، نقشه درختان میوه و برگ خرما و گل‌های رنگارنگ است. این فرشها سابقاً با پشم بافته می‌شد، اما امروزه برای بافت آن از پنبه نیز استفاده می‌شود. فرش‌های عشایر کرد که بیش‌تر با پشم‌های قهوه‌ای و بلوطی رنگ و گاهی با پشم شتر بافته می‌شود نیز معروفیت دارند. سنندج نیز مرکز قالی بافی است. از طرح‌های قدیمی این شهرستان، انواع بته جقه‌ها را می‌توان نام برد. از جمله جقه چارک‌ی، جقه دو گره‌ای، جقه توپی و نقش‌های دیگری به نام گل میرزا علی، گل و بلبل و غیره. امروزه به علت نبودن رنگ‌های طبیعی، بافت آنها مشکل است. نقشه‌های فعلی قالی بافی در سنندج سه ترنج، کلاه فرنگی و ماهی در هم است.

بطور کلی قالی کردی از نظر کیفیت به سه گروه تقسیم می‌شود:

فرش‌های سنندج:

این قالیچه‌ها که از جذابیت و گیرایی خاص برخوردارند، بافتی ظریف دارند و اصالت و سادگی در طرح و رنگ آنها مشهود است. قالیچه سنندج از لحاظ سبک کاملاً متفاوت است و با محصولات دیگر نقاط ایران هیچ شباهتی ندارد. قدمت، کیفیت و ظرافت قالی سنندج به حدود سه قرن پیش یعنی زمان تبدیل شدن سنندج به مرکز استان کردستان باز می‌گردد.

فرش‌های بیجار:

ویژگی شاخص فرش بیجار، ساختار متراکم این قالی‌هاست. بافت آنها به گونه‌ایست که نمی‌توان آن‌ها را تا کرد. در مراحل اولیه تجارت فرش، این گونه فرشها را "لول" می‌نامیدند. این کلمه بیانگر استحکام بیش از حد فرش‌های بیجار است.

نقش فرش‌های این منطقه بیشتر شامل طرح‌های منظم است و به نسبت نوع روستایی آن، دارای خطوط ملایم‌تر و نقش‌مایه‌های طبیعی‌تری است. در این طرح‌ها، نقوش کلاسیک ایرانی بزرگ شده و در کنار نقش‌هایی که تحت تاثیر مدل‌های روستایی و قبیله‌ای است، دیده می‌شوند.

فرش‌های ایلیاتی و روستایی:

قالی‌های بافت روستا به دلیل استفاده از پودهای ضخیم و پشمی، دارای بافت سنگین و پرزهای بلند و گوشتی هستند. از این رو، آنها را در اصطلاح محلی "خرسک" می‌نامند. طرح این قالی‌ها بیشتر هندسی است. طراحی این فرشها به صورت "ذهنی باف" اجرا می‌شود، به این معنی که هر بافنده در بافت نقشه‌ای خاص مهارت می‌یابد و طرح کلی آن را در ذهن خود حفظ می‌کند و هر بار بر طبق سلیقه خود آن را می‌بافد.

رنگ زمینه بیشتر قالی‌ها تیره است و طرح‌ها با تضاد رنگی مشخص بر آن قرار می‌گیرد. (زارعی/۸۱/ص ۷۸)

هریک از صنایع دستی استان به عنوان سوغاتی ارزشمند نیز محسوب می‌شوند که توسط مسافران نیز خریداری می‌شود. همچنین محصولات باغی و دامی و نان برنجی از سوغاتی‌های خوب استان کردستان است. (زنده دل/۷۸/ص ۱۰۷)

۲-۲) استان کرمانشاه:

استان کرمانشاه با حدود ۲۴۴۲۴ کیلومتر مربع وسعت در میانه ضلع غربی کشور، بین ۳۳ درجه و ۳۶ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۱۵ دقیقه عرض شمالی و ۴۵ درجه و ۲۴ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۳۰ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار گرفته است. این استان از شمال به استان کردستان، از جنوب به استان‌های لرستان و ایلام، از شرق به استان همدان و از غرب به کشور عراق محدود شده است. کرمانشاه یکی از باستانی‌ترین مناطق ایران است که گفته می‌شود توسط طهمورث دیوبند-پادشاه افسانه‌ای پیشدادیان-ساخته شده است. برخی از مورخین بنای آن را به بهرام پادشاه ساسانی نسبت می‌دهند. کرمانشاه در زمان قباد اول و انوشیروان ساسانی به اوج عظمت خود رسید. (زنده دل/۷۹/ص ۳۰ و ۳۱)



۱-۲-۳) ویژگی های فرهنگی و هنری استان کرمانشاه :

استان کرمانشاه از مناطق کرد نشین سرزمین ایران است. زبان کردی از خویشاوندان نسبی زبان فارسی است و مشابهت های فراوانی یا قواعد دستوری و دیگر خصوصیات با زبان فارسی دارد. زبان کردی گویش های متفاوتی دارد که از مهم ترین آن ها می توان به گویش های کلهری، اورامی، سورانی (جافی) لکی و گویش فارسی اشاره کرد. اهالی قصر شیرین، سرپل ذهاب، صحنه، دینور و بخشی از مردم کرمانشاه به گویش کلهری تکلم می کنند. دوایل بزرگ لهوئی در منطقه اورامان جنوبی در کرمانشاه و طوایف اورامان زراب و اورامان تخت در حوالی استان کردستان و بخشی از مردم سر پل ذهاب و دینور به گویش اورامی تکلم می کنند.

گویش سورانی (جافی) به جوانرودیه برخی از مهاجرین سر پل ذهاب و جگیران و بخش روانسر اختصاص دارد. اهالی هرسین و طوایف واقع در مسیر مرز بین اکراد کلهر و زنگنه و لرستان به گویش لکی تکلم می کنند. و لهجه فارسی کرمانشاهی نیز خاص شهرستان کرمانشاه است. فارسی کرمانشاهی از لحاظ ضرب المثل و ترانه نیز بسیار غنی است.

نژاد مردم ساکن در استان کرمانشاه آریایی است و به لحاظ مذهبی، بیشترین طوایف و ایلات ساکن در استان مسلمان شافعی مذهب هستند. برخی از طوایف و ایلات مانند خاندان اردلان، کلهر و سنجابی پیرو مذهب تشیع هستند. عده ای از مردم استان نیز که به گوران ها معروف اند پیرو اهل حق می باشند. گروه های علی الهی، یزیدی، صارمی، شبک و بجوران ها در استان زندگی می کنند و تعدادی از آنها آئین پیش از اسلام خود را حفظ کرده اند.

بر بستر خصوصیات قومی، نژادی، زبانی و باورهای مذهبی مردم کرمانشاه کنش های فرهنگی استان شکل گرفته است

۲-۲-۳) جشن ها و سرورهادر استان کرمانشاه :

۱-۲-۳-۳) اعیاد ملی و مذهبی:

عید نوروز، اعیاد رمضان و قربان و غدیر که جنبه ملی و مذهبی دارند، در سطح استان از دور زمان با آداب خاصی برگزار می شود. مردم استان از ماهها قبل عید نوروز را تدارک می بینند و معتقدند حضرت علی بن ابیطالب (ع) در عید نوروز به تخت خلافت نشسته است و از این رو در این مراسم دو جنبه ملی و مذهبی را در هم می آمیزند. تدارک مراسم عید و خانه تکانی از هفته اول اسفند ماه شروع می شود و مردم با شور و شوق خاصی به پیشواز آن می روند.

عید رمضان از اعیاد مهم مذهبی است که در روز فطر با شکوه خاص برگزار می شود: از طلوع صبح، دسته دسته اهالی برای نماز عید عازم مساجد می شوند و از بلندگوی مسجد بانگ اذان همه جا را فرا می گیرد. پس از اتمام نماز عید، به مصافه و حلال خواهی می پردازند و به ذکر لا اله الا الله مشغول می شوند. سپس در حلقه ای بزرگ که سراسر مسجد را در برمی گیرد شخص خوش صدائی قصیده می خواند و مابقی پس از اتمام هر بیت با این بیت به او پاسخ می گویند:

علی جیبک خیر الخلق کلهم

مولای صل و سلم دائما ابدا

سپس در گروه های چند نفری برای عید مبارکی عازم منازل می شوند. شب قبل از عید در خانه علما و اعیان، تا طلوع صبح به پخت و پز غذایی که به "کشکک" معروف است و از گوشت و گندم تهیه می شود و شباهت خاص به حلیم دارد، می پردازند و در صبح عید با آن غذا از مهمانان پذیرایی می کنند. عید قربان نیز با همان تشریفات عید فطر در تمامی نقاط برگزار می شود، اضافه برآنکه در این روز اهل حق نیز نیاز می دهند. از جمله اعیاد مهم دیگر روز تولد حضرت رسول اکرم (ص) است که بسی باشکوه در سراسر استان برگزار می گردد. مولودی، مولود خوانی و اطعام مدعوین در منازل و مساجد، فضایی روحانی به این دیار می بخشد و گاهی تمام روزها و شب ها ی ماه ربیع الاول را اهالی در مراسم مولودیه به سر می برند، در عید تولد حضرت علی (ع) و عید غدیر نیز در خانقاه و تکابا، مساجد کرمانشاه و جمع خانه های اهل حق، حلقه ذکر درویش قادریه و بانک دف و نی، همچنین نوای دل انگیز تنبور نوازان اهل حق فضای گذر گاهای شهر را پر می کند.

۲-۲-۲) جشن عروسی:

مراسم عروسی در استان کرمانشاه چه در شهر چه در روستا با آداب و آئین خاصی برگزار می شود که مراسم تقریباً یکسان دارد و در نواحی مختلف تفاوت های جزئی در اجرا دارد. البته این تفاوت در نقاط شهری به ویژه در کرمانشاه با توجه به رشد و گسترش فرهنگ شهر نشینی نسبت به روستائی ها و ایلات و عشایر بیشتر است.

۲-۲-۳) سوگ ها و عزاه در استان کرمانشاه:

انجام مراسم عزاداری اهل بیت از قرن سوم و چهارم، یعنی زمان استقرار حکمرانان آل بویه در اکثر نواحی کرمانشاه برگزار می شده است. از همان زمان مراسم عاشورا در روستاها و نواحی مختلف منطقه با آئین و آداب خاصی برگزار می شود.

کندوله از نقاطی است که به روایت ساکنانش در عهد دیالمه، آباد گردید و بنیاد آن به رکن الدین دیلمی مربوط است. این منطقه در مراسم عزاداری دارای آداب و رسوم خاصی است که باشکوه تمام برگزار می گردد. از جمله مراسم این ایام در کندوله، شبیه خوانی است که در کنار امام زاده "پیر یافته" برگزار می گردد.

شهرت و جاذبه این مراسم به حدی است که از روستاها و نواحی اطراف در روزهای تاسوعا و عاشورا به کندوله می آیند و اهالی کندوله نیز از واردین پذیرایی می کنند. گاهی بر سر جلب میهمان بیشتر و پذیرایی بهتر بر یکدیگر سبقت گرفته و هیچ تازه واردی بدون مکان و طعام باقی نمی ماند.

در سایر نقاط همچون دینور نیز که تعدادی امام زاده در آن مدفون است، این مراسم با پوشیدن لباس سیاه و گل زدن و نوحه خوانی در کنار امام زاده ها برگزار می گردد.

در "بالا جوب" که بر روی تپه کوچکی، مقبره امام زاده ای به نام "عباسعلی" واقع گردیده، در ایام عزاداری دسته های عزادار از روستاهای اطراف گروه گروه به جوار امامزاده آمده و در تاسوعا و عاشورا مراسم شبیه خوانی برگزار می گردد.

۲-۲-۴) موسیقی و رقص های محلی در استان کرمانشاه:

تحقیقات انجام شده ثابت می کند که موسیقی کردی، ابتدا منحصر رزمی و حماسی بوده است. قدیمی ترین نوا سازان کردستان، بیت خوان ها غالباً بیسواد بوده اند که قرن ها پیش از این و هم امروز، داستانهای پهلوانی و رزمی را به شعر و تصنیف تبدیل می کرده و دهل و سرنا می نواخته اند. بعدها نواها و ریتم ها و آهنگ های رزمی نیز وارد موسیقی کردی شده است. انواع سازهای کردی در کرمانشاه عبارتند از:

- دهل، سرنا، ودونی سازهایی هستند که در مراسم عروسی و عزا به کار می روند. صدای این سازها هم رقصنده ها را رهبری می کند و هم در مراسم سوگواری مشهور "چمری" نواخته می شود. نوازندگان عموماً کولی ها هستند که به "قره چی" و "خراط" نیز معروفند.
- طبل، شمشال (بلور) و دف: سازها و آلات این گروه نیز توسط کولی ها ساخته می شود. این سازها سه جنبه حماسی "رزمی" و عرفانی و طبی دارند. امروز در هر روستای کردنشین ایران دست کم یک گروه موسیقی وجود دارد. حساسیت مردم این سامان نسبت به موسیقی تا آن پایه زیاد است که شباهت به تعصب دارد. نوازنده ها و خواننده های منطقه، تنها در صورتی می خوانند و می نوازند که بتوانند "جذبه روحانی" را در شنونده های خود تحریک کنند. این "جذبه روحانی" هر جا موسیقی کردی طنین داشته باشد، وجود دارد.

- تنبور: سازی است مقدس که شاید هزاره های عمر خود را پشت سر گذاشته و همواره مونس مردان حق بوده است. نواختن این ساز در بین علویان کوهپایه های زاگرس عمومیت دارد و بزرگان و مرشد این نواحی، کلا از آن آگاهی دارند.
- رقص کردی: تمرین آمیخته به تفریح بوده و هست. در تمام ریتم های رقص کردی حالتی از همداستانی، یگانگی و بدن سازی وجود دارد. در بیشتر گونه های رقص کردی، دست های رقصندگان در هم گره می خورد، گام ها همواره در یک مسیر حرکت می کند و چنان متوازن است که به رژه می ماند. رقص های معروف کردی عبارتند از: گریانه، برودوا، چپی، سه پر، سه جار، سه پا و فتاح پاشایی.

۲-۲-۵) صنایع دستی و سوغات استان کرمانشاه:

کرمانشاه از دیر باز به سبب موقعیت خاص جغرافیایی و نیاز اهالی به لوازم و مواد اولیه زیستی مرکز صنایع دستی بوده است و در بین مردم بومی، افرادی مستعد و ماهر در هر رشته پرورش یافته اند. از طرف دیگر شیوه معیشت عشایری استان زمینه های مساعدی را جهت گسترش صنایع دستی فراهم نموده است که اهم آن ها عبارتند از: قالی، گلیم، حاجیم، جولایی، موج، چیغ، انواع گیوه، صنایع دستی چوبی، قلمزنی، حکاکی، تسیح سازی، شیشه گری، حجاری، فلز کاری، نمد مالی، چرم سازی و انواع جانماز، جوراب، کلاه، جلیقه دستیافت که تولید آنها در بیشتر روستاها و شهرهای استان رایج است.

راهکارهای رشد و توسعه صنایع دستی و گردشگری:

از زمان کشیدن نخستین تصاویر بر دیواره غارها، روزگاری دراز می گذرد. از همان زمان سر آغاز تاریخ، طرح های خام و مبهمی که در مغز انسان شکل می گرفت، همه نشان از تلاشها و بی قراریهایی روح او برای گریز از ظلمت و تباهی های زمانه داشت. در پیوستگی تاریخ، از دوران گذشته تا حال، این نیاز در هر دوره ای به نوعی جلوه گر شده است و هنرمند با دم های غنیمت عمر و لحظات گذرای زندگی خویش، همواره خاطرات لذت بخش را زنده ساخته، آنرا آراسته، پیراسته و با لایحه اثری را بجای نهاده که یاد آور تائرات او از نمایش های هستی است.

نقش و اهمیت صنایع دستی بعنوان هنری مقدس، صنعتی مستقل، بومی و اصیل با جنبه های قوی کاربردی از جهات هنری، فرهنگی، اقتصادی، و حتی سیاسی بر همگان آشکار است. نکته مهم و شایان توجه آن است که حتی اگر همه تاثیرات مثبت اقتصادی صنایع دستی را به کناری بگذاریم، این هنر ملی ایران بواسطه بازتاب آن است که حتی اگر همه تاثیرات مثبت اقتصادی صنایع دستی را به کناری بگذاریم، این هنر ملی ایران بواسطه بازتاب ذوق و سرشار، اندیشه خلاق و هنرمندان پر مایه ولی بی ادعا باید بصورت جدی و برنامه ریزی شده مورد حمایت قرار گیرد.

این در حالی است که صنایع دستی طی سالیان متمادی، چه در دوران رونق و شکوفایی و چه در دوره های رکود، هنگامی که در این در حالی است که صنایع دستی طی سالیان متمادی، چه در دوران رونق و شکوفایی و چه در دوره های رکود، هنگامی که با توسعه صنعت گردشگری همراه بود سهم شایسته و در خور توجهی در اقتصاد کشور و معفی هنر ناب و خالص ایرانی و نهایتا زندگی اقتصادی و حیات فرهنگی ما داشته است.

امروزه تولید صنایع دستی که مزین به نقش آثار تاریخی، باستانی و یادمانهای ویژه هر کشور است در دستور کار صنعتگران جهان قرار دارد و تلاش می شود که حتی بخشی از این گونه آثار که از سنگ، چوب فلز و یا بر روی سرامیک و پارچه پدید می آید با قیمتهای ارزان در اختیار توریست ها قرار گیرد.

تمامی ممالک جهان، اعتقاد به تاثیر متقابل صنایع دستی و صنعت گردشگری دارند، چرا که در عمل و تجربه در یافته اند که هنرهای صناعی یکی از عوامل بسیار موثر در جلب و جذب گردشگر در تمامی گرایش های ملی، منطقه ای و داخلی است و متقابلا به این نتیجه هم رسیده اند که صنعت گردشگری می تواند به رشد، توسعه و گسترش صنایع دستی و بهبود کیفیت آن کمک کند. بر پایه این اعتقاد و تجربیات حاصله، تشکیلات صنایع دستی و گردشگری در بسیاری از کشورها در هم ادغام و یا در رابطه ای هماهنگ و منسجم با هم دیده شدهاند که خوشبختانه در کشور ما نیز گام هایی در این زمینه برداشته شده است.

ایران یکی از ده کشور پر جاذبه گردشگری در جهان است و آثار بی شمار تاریخی، باستانی و جاذبه های طبیعی آن به حدی است که هر گردشگری را با سلیقه و یا هربینش و تفکری به سوی خود جلب می کند. ولی مراجعه به آمار ورود گردشگران بین المللی حتی طی سالهای اخیر که شاهد رشد چشمگیر آن بوده ایم، حدود یک تا یک

ونیم میلیون نفر گردشگر آنهم گردشگرانی که بطور عمده از ممالک فقیر یا بدون امکانات مالی به ایران می آیند را ثبت کرده است. (دهقان/۸۸/ص ۱۶۸)

ارائه راهکار توسعه صنایع دستی:

برای اینکه جهت گیری بحث در چارچوب ارائه راهکارهای لازم و عملی توسعه صنایع دستی سوق داده شود، ذکر دو نکته در بدو امر حائز اهمیت و ضروری است:

۱- شایسته است توسعه هنرهای صناعی را به طریق اولی در زادگاه آن، یعنی روستا جستجو می شود. روستا مادر شهرهاست و به تعبیری شهر، زائیده روستا است. این فرزند قدر شناس و یاغی چون به حرف والد خویش گوش نداده، مورد آق والدین قرار گرفته و امروزه شهر دچار آنچنان درهم تنیدگی و گره خوردگی شده که مهاجرت معکوس و یا پناه آوردن مجدد به آغوش زادگاه اولیه یعنی روستا را برگزیده است. بنابراین توصیه اولین راهکار، این است که بستر توسعه صنایع دستی، با هدف ایجاد فرصت های اشتغال مولد برای جمعیت مازاد و سر ریز روستایی، توزیع برابر و عادلانه فرصت ها و امکانات، آمایش سرزمین و یا پراکندگی متوازن جمعیت و ثروت در جغرافیای کشور، اجتناب از ایجاد قطب های جمعیتی در مترو پلیس ها و کلان شهرها و نتیجتا کاهش جرم و جنایت ویژه اجتماعی در سطح شهرهای بزرگ و بسیاری دلایل دیگر در خود روستا قرار دارد و حتی اولویت های جانبی از صنعتگر صنایع دستی را استقرار کارگاه در روستا و سپس شهرها در نظر بگیریم.

۲- همانطور که اشاره شد اصلح است که ما ابتدا به پیش زمینه و یا پیش نیاز توسعه صنایع دستی در کشور و ارائه راهکار در این بخش یعنی تقویت گردشگری بپردازیم. چون اعتقاد ما در درجه اول توسعه صنایع دستی در روستاهاست. به نظر می رسد عوامل و پارامترهایی که می تواند در تقویت گردشگری به ویژه عرصه داخلی موثر باشد به ترتیب اهمیت، به صورتی که بیان می کنم قابل ملاحظه است:

راهکار اصلی که سایر راهکارها، راهبردها و روشها را تحت الشعاع خود قرار می دهد و این راهکار دقیقا قابلیت تعمیم به بخش راهبردهای اساسی برای توسعه صنایع دستی را هم دارا می باشد، بحث مدیریت است.

بعنوان اساسی ترین راهکار در بخش تقویت گردشگری و هنرهای صناعی که موضوع بحث ما است نیاز داریم به:

الف- استقرار سیستم مدیریتی نظام مند باز بجای بسته، فراملی بجای ملی، برون گرا بجای درون گرا، گروه گرا بجای فرد گرا، تا این صنعت که امروزه در جهان از درآمدهای نفتی هم پیشی گرفته، رونق پیدا کند.

ب- مقررات زدایی و جایگزینی ضوابط مترقی و تغییر بنیادین بروکراسی اداری.

ج- تدوین نظام مدیریت پویا با تامین شرایط احراز و انتصاب بجای انتساب که در پاره ای موارد دیده می شود.

د- پذیرفتن تغییر و تحول در عرصه بین المللی و رقابت های جهانی با حفظ منافع ملی و برنامه ریزی دقیق بصورت کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت بجای روز مرگی.

ه- هدایت نظام مدیریتی از روش سنتی به روش علمی، کارآمد، اثر بخش و غیر سلیقه ای

و- اطلاع رسانی، فرهنگ سازی، مطالعه عمیق روی موانع فرهنگی با هدف معرفی مراکز جاذب و جالب توجه برای گردشگران، ارائه آموزش های لازم به میهمان و میزبان از طریق رسانه های داخلی و اتخاذ تدابیر لازم جهت ایجاد هماهنگی بین کلیه دستگاهها و موسسات دولتی و غیر دولتی مرتبط با امر گردشگری به منظور آماده کردن بستر توسعه توریسم، در واقع تا زمانی که مرزهای ایران به روی جهانگردان کاملا باز نشود و مشکلات امنیتی و اجتماعی جهانگردان با اعمال مدیریت علمی، روز آمد و نه سلیقه ای رفع نشود، ما روز به روز از کشورهایی مانند چین و هند که رقبا ما هستند، چه در بخش گردشگری و چه در صنایع دستی بیشتر عقب می افتیم.

ح- تقویت کادر قوی با تحصیلات مرتبط با گردشگری و صنایع دستی، تدوین قوانین شفاف و لازم الاجرا، آگاه سازی و مشارکت دادن جوامع محلی در برنامه ریزی ها، حفظ و احیای ارزشها به لحاظ اینکه گردشگران جهت بازدید از ارزشهای طبیعی، سنتی و بومی مبادرت به سفر می کنند.

ط- برنامه ریزی برای کاهش فصلی بودن مقاصد گردشگری و اختصاص فرصت های شغلی به نیروهای محلی چه در مشاغل پر درآمد و چه ساده.

پیشنهادات:

۱- راه اندازی بانک اطلاعات جامع صنایع دستی، ضمن تمرکز کلیه فعالیتهای هنرهای صناعی در یک نهاد منسجم و مسئول و همچنین متمرکز کردن مراکز تصمیم گیری و تصمیم سازی در بخش توسعه صنایع دستی و اجتناب از انجام امور موازی و پراکنده توسط متولیان گوناگون

۲- حمایت از توسعه کارگاه های تولیدی از طریق اعطای تسهیلات اعتباری و حمایت از ایجاد بازارچه صنایع دستی به نحوی که منافع حاصله عاید خالفین این آثارزیا و ماندگار بشود، به عبارتی حذف نگاه صرفا تجاری و کاسب کارانه این صنعت، یعنی به این صورت نباشد که کالا به نازل ترین قیمت همانند آنچه که در بخش محصولات باغی متداول است از نقاط محروم خریداری و به گران ترین قیمت توسط اتحادیه ها اشخاص در شهرهای بزرگ به فروش برسد.

۳- تهیه و تدوین استاندارد مواد اولیه مورد مصرف با حفظ اصالتهای بومی، ملی و فرهنگی به این معنا که انجام یک کار خوب بهتر از انجام دو کار معیوب است.

۴- تامین امنیت برای سرمایه گذاری در واحد های صنعتی و افزایش بیمه ای برای نیروهای کار و تولیدات صنایع دستی

۵- افزایش میزان تنوع و زمینه های کاربردی آثار صنایع دستی و بالطبع بالا بردن کیفیت و افزایش میزان دوام هنرهای صناعی

۶- تولید هنرهای صناعی با الهام از فرم کلی و نگاره های آثار تاریخی و باستانی و نیز علائم و نشانه های هر کشور

۷- بسته بندی مناسب آثار صنایع دستی

۸- قائل شدن تسهیلات لازم وارزمن قیمت حتی رایگان برای ارسال صنایع دستی به صورت پستی و فراهم آوردن امکانات و ارائه خدمات مناسب در زمینه بیمه، حمل و نقل و تحویل سالم و به موقع آثار در مقصد مورد نظر گردشگران

۹- برگزاری نمایشگاه های فصلی، سالانه و نیز بازارهای مکاره با هدف جلب و جذب توریست های خاص برای فروش آثار صنایع دستی و همچنین ایجاد موزه های دائمی گردشگری و هنرهای صناعی.

۱۰- کنترل و نظارت مستمر دولت و نهادهای ذیربط نه تنها در زمینه کیفیت بلکه در خصوص قیمت آثار صنایع دستی

۱۱- مشارکت فعال صدا و سیما در امر اطلاع رسانی و تبلیغ گسترده روی صنایع دستی با هدف ایجاد موقعیت مناسب برای عرضه کالا

۱۲- صدور کالا و صنایع دستی کشور از طریق جهانگردان که خود تا حدودی مشکلات بازاریابی و هزینه حمل و نقل را در شرایط فعلی کاهش دهد.

۱۳- نهایتا توجه به امر آموزش و حمایت های لازم در بخش تامین مواد اولیه ارزان قیمت که از این طریق از مصرف مواد اولیه فاقد کیفیت جلوگیری شود. (دهقان/۸۸/ص ۱۷۰)

فرهنگ و توسعه صنعت گردشگری:

فرهنگ قدرتی دارد که ما را بر انگیزد تا کارهایی را انجام دهیم که در غیر اینصورت ممکن است هرگز فکر انجام یا احساس توانایی دست زدن به آنها را نکرده ایم.

ما از فرهنگ دیگران برای مقاصد خودمان تغذیه می کنیم و امیدواریم که فرهنگ ما هم برای آنها همین کار را انجام دهد. (بونی فیس/۱۳۸۰/ص ۱۶)

در واقع این یکی از اهداف صنعت جهانگردی در بعد فرهنگی و سیاسی است که بعضی از جوامع و دولتها در پوشش صنعت توریسم به دنبال آن هستند و بیشتر جنبه تاثیر گذاری دارد تا تاثیر پذیری.

هدف دیگر این است که در قالب جهانگردی یک همبستگی جهانی پدید آید و در جهت حل تعارضات گام برداشته شود، یا حداقل بین ممالک که به تبادل توریست می پردازند یک همبستگی فرهنگی ایجاد شود.

در فولکلور و فرهنگ عامه مردم ایران، سفر و مسافرت جایگاه و اهمیت ویژه‌ای در باب گسترش اطلاعات آگاهیها و شناخت دارد. "مرد پخته" در این فرهنگ به انسان جهان دیده ای اطلاق می گردد که به سیر و سفر به اطراف و اکناف جهان پرداخته و از هر قوم و ملتی، شناخت و نشانه ای در ذهن خود دارد. مرز و بوم ایران بستر مناسبی برای بروز و ظهور نمادهای فرهنگی است (الوانی/دهدشتی/۱۳۷۳/ص ۱۸)

فرهنگ پایه و اساس تمدن است ولی در همه جلوه ها این دو با یکدیگر تفاوت دارند؛ هر اندازه تمدن نشان دهنده سکونت و قرار است، فرهنگ نشان دهنده حرکت و گسترش است. (دیباچی/۱۳۷۱/ص ۱۸)

امروزه یکی از عوامل جذب کننده جهانگردان به مقصد مورد بازدید عامل فرهنگ است که متفاوت از فرهنگ جهانگرد باشد در واقع این تفاوتها است که ایجاد انگیزه می نماید و عزم سفر را در افراد به وجود می آورد.

ایران کشوری با تنوع آب و هوایی گوناگون و چهار فصل است در هر فصلی از سال منطقه ای مناسب برای توسعه صنعت جهانگردی دارد. در بعد فرهنگی هم ترکیبی از چند فرهنگ و تنوع زیستی می باشد، ضمن اینکه خاستگاه یکی از کهن ترین فرهنگهای بشری بوده و به لحاظ ویژگیهای جغرافیایی و اقلیمی در طول تاریخ کوره ذوب فرهنگها و اقوام قلمداد می شده است. اگر سازمان علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) کشور را جزو کشور اول جهان با جاذبه های جهانگردی می داند بی گمان عامل فرهنگ می تواند در انگیزه چنین انتخابی سهیم باشد. بنابراین فرهنگ به عنوان یکی از ساختمان های توسعه صنعت جهانگردی در ایران میتواند نقش بسزایی ایفا کند. در طول تاریخ سیاحان، تاریخ نویسان و مردم شناسانی که در حوزه فرهنگی ایران به تحقیق پرداخته یا از آن گذر کرده اند با توجه به مسائل زشت و زیبای که از روایات حاکم بر ملت ایران به رشته نگارش در آورده اند، کم نیستند کسانی که مردم ایران را باهوش، با ذوق و با فرهنگی برتر نسبت به دیگر ملتهای منطقه دانسته اند.

آنچه که ما از اظهار نظر بیگانگان نسبت به جامعه ایرانی مشاهده می کنیم نشات گرفته از فرهنگ و تمدن ما است و می توان آن را در جهت توسعه صنعت جهانگردی به کار گرفت. امروزه در صد توریسم فرهنگی نسبت به سایر ابعاد آن کم نیست علی رغم مشکلات و موانع زیادی که همین فرهنگ حاکم بر جامعه ایرانی در رابطه با توسعه صنعت جهانگردی به وجود آورده است مثل قوانین و مقررات اسلامی و غیره می توان اذعان نمود که بخش فرهنگی توریسم ایران توانایی آن را دارد که در این جهت کار ساز باشد، بسیاری از جهانگردان به دنبال جاذبه های فرهنگی به سفر می پردازند، کشور ایتالیا و تا حدودی فرانسه نمونه بارزی از توریسم فرهنگی می باشند.

در دنیای امروز سرزمین های وسیعی وجود دارد که در هر کدام میلیون ها نفر انسان زندگی می کنند و در یک مذهب، قانون، تکنولوژی و غیره با هم شریک هستند ولی آنچه که آنها را از هم جدا می کند فرهنگ است .

در اینجا شناخت فرهنگها در ارتباط با صنعت جهانگردی از اهمیت ویژه ای برخوردار است ابتدا از فرهنگ خودی و سپس فرهنگ دیگر جوامعی که قصد تبادل جهانگرد را با آنها داریم باید آگاه باشیم . بسیاری از صاحب نظران عقیده دارند کسی که فرهنگ خود را نشناسد از شناخت دیگر فرهنگها نیز عاجز است.

فرهنگ معمولا به خوبی یک پدیده اقتصادی عمل می کند و مطلوبیت کالا و خدمات معمولا با فرهنگ ترکیبی در آنها ارائه می شود .

تمامی روابط ما در زندگی عادی و تعامل ما با دیگران از جمله جهانگردان نشات گرفته از فرهنگ ما است.

لازم است ساختار فرهنگ به دقت مورد بررسی قرار گیرد چون فرهنگ وسیله ای است که جوامع و گروهها دنیا را با آن لمس

می کنند.

بنابراین فرهنگ جامعه ایران گر چه سنتی و محصول قرنهای تجربه در تلخ و شیرین تاریخ است ولی در حاشیه صنعت جهانگردی و توسعه آن از فرهنگ جهانی که محصول ارتباطات و تکنولوژی نوین ارتباطی می باشد نمی توان غافل بود .

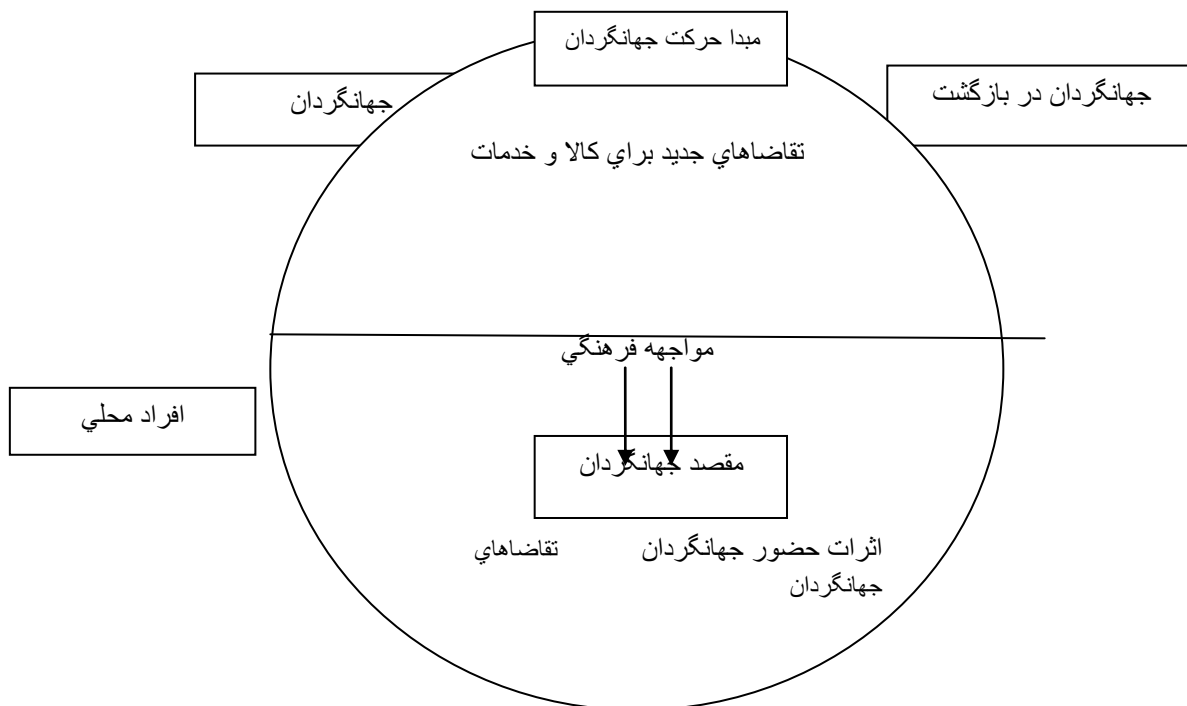
در مجموع یکی از مهمترین راههای توسعه صنعت جهانگردی شناخت فرهنگ است، بشر در طول تاریخ بطور مبهم از وجود فرهنگ آگاهی داشت و حتی این آگاهی اندک و سطحی به سبب برخورد و مقایسه رسوم و عادات جوامع با یکدیگر صورت می گرفت.

روانشناسان تا این اواخر از اهمیت فرهنگ غافل بودند تا اینکه در اثر تحقیقات دقیق متوجه شدند که صرفاً شناخت طبیعی بشر نمی تواند موجب شناخت او گردد بلکه گذشته فرهنگی و اجتماعی نقش موثری را در رفتار فعلی او دارد و حتی نظریه فروید در باره غرایز را که بازتابهای فطری تعریف می شوند مردود دانسته و آن را متأثر از شرایط فرهنگی می دانند. باید کرد که آمادگی افراد برای زندگی در جامعه موکول به شناخت کلی فرهنگ می باشد و توجه به ضرورت این مسئله که می گوئیم باید نخست افراد را آماده کرد و سپس از آنها انتظار خدمات موثری داشت و این حقیقت که اکثر مردم در موقعیتهای خاص واکنش یا پاسخهای معینی دارند، می تواند امکان پیش بینی رفتار را برای هر کس فراهم کند و بر اساس آن سازگاری و انطباق با وضع جدید را هر چند این پیش بینی کامل و مطلق نباشد امکان پذیر سازد.

در ارتباط با این دیدگاه و توسعه صنعت جهانگردی و بعد فرهنگی آن در ایران این مسئله از اهمیت خاصی برخوردار است که آمادگی فرهنگی در داخل کشور جهت قبول و پذیرش جهانگرد ایجاد گردد.

چرخه جهانگردی و فرهنگ:

آشکار استروابط و تعاملاتی بین آنان و میزبانان ایجاد می نماید که یک بعد این رابطه فرهنگی است. تاثیر و تاثرات فرهنگی ناشی از این تعاملات به صورت یک فرایند چرخه ای در شکل زیر نشان داده شده است.



همانگونه که در شکل مشاهده می شود جهانگردان هنگام عزیمت به یک مقصد، ابتدا با فرهنگ آن مقصد روبرو می شوند و از همان برخورد اول تعاملات فرهنگی میهمانان و میزبانان آغاز می شود. ظواهر، رفتارها، برخوردها و تقاضاهای جهانگردان تاثیراتی بر جامعه میزبان می گذارد. چنانکه مهمان نوازی، ادب و تواضع، رفتارها و فضای حاکم بر محیط مقصد که جزء عناصر غیر ملموس جهانگردی هستند، تاثیرات انکار ناپذیری بر میهمانان دارد. البته جهانگردان نیز با آنچه در سفر تجربه کرده اند، در بازگشت به موطن خود، تقاضاهای جدیدی را به همراه می برند. برآیند تعاملات جهانگردان با جامعه میزبان می تواند آثار خوشایند و ناخوشایندی برای طرفین داشته باشد.

آثار مثبت فرهنگی توسعه جهانگردی:

برخی از آثار مثبت فرهنگی توسعه جهانگردی عبارتند از: (W.T.O)

- توسعه جهانگردی حفظ میراث فرهنگی جامعه میزبان را در پی دارد که در غیر این صورت الگوهای فرهنگی - موسیقی، رقص، نمایش، مدل‌های لباس، هنرها و صنایع دستی، مراسم، شیوه زندگی، رفتارها و برخوردها، فعالیت‌های سنتی اقتصادی و سبک‌های معماری نیز جاذبه‌های مهم برای جهانگردان اند. چنانچه این نهادها و نمادها و سنت‌ها از میان بروند، جهانگردی فرهنگی در ناحیه مورد نظر موفق نخواهد بود. در بعضی مناطق، جهانگردی می‌تواند نیروی محرکه‌ای برای احیای الگوهای فرهنگی باشد که ممکن است به مرور زمان به کنار نهاده شوند و توسعه جهانگردی به حفظ و نگهداری این الگوها کمک می‌کند.

- به توسعه و حفظ موزه‌ها، تئاترها و سایر امکانات فرهنگی مدد می‌رساند. جهانگردی تا حدودی از این امکانات حمایت می‌کند، ولی ساکنان بومی نیز از آنها بهره‌مند می‌شوند. بسیاری از موزه‌ها و تئاترهای مهم دنیا بیشترین حمایت مالی را از طریق خرید بلیط‌های ورودی جهانگردان دریافت می‌کنند.

- وقتی مردم یک منطقه مشاهده می‌کنند جهانگردان به فرهنگ آنها ارزش و احترام قائلند احساس غرورشان تقویت و تجدید می‌شود. این امر به خصوص در بعضی جوامع سنتی که دستخوش تحولات سریع و از دست دادن اعتماد به نفس فرهنگی هستند، صادق است.

- فرصت مبادلات میان فرهنگی بین جهانگردان و ساکنان محلی را فراهم می‌کند و بدین گونه آن دو درباره فرهنگ‌های یکدیگر شناخت پیدا می‌کنند و به آن‌ها احترام می‌گذارند. این مبادله به بهترین وجه می‌تواند از طریق برخی اشکال جهانگردی مانند جهانگردی فرهنگی فرا چنگ آید. (کاظمی/)

به عبارت دیگر گردشگری ممکن است جنبه‌های از فرهنگ را تقویت نماید و جنبه‌های دیگری از آنرا تا حد ناپدید شدن کم‌رنگ نماید. به عنوان مثال عملکردهای فرهنگی برای گردشگری ممکن است زمان صرف شده بر روی حرفه خاصی را که اعضای جامعه در آن زمینه فعالیت می‌نمایند افزایش دهد و لذا شکل‌های جدیدی ظاهر می‌شوند کیفیت عملکرد (غناي فرهنگي) توسط ملت (فرهنگ يابي) بهبود مي يابد. براي بيان بهتر مطلب ذیلا با مثال به برخی از آنها اشاره می‌گردد.

_ جلوه‌های فرهنگی جایگزین یا پذیرفته شده: ممکن است تحت تاثیر عاملی از تغییرات فرهنگی، یک ویژگی خاص پذیرفته یا جایگزین شود. نتیجه این عمل می‌تواند هیچ تاثیری بر سایر ویژگی‌های فرهنگی نداشته باشد یا میزان تاثیر متفاوت باشد. برای مثال، در کشورهای

در حال توسعه، مردم توسط سازمان‌های بهداشتی تشویق می‌شوند تا کارخانه‌های محلی را با مواد و دستگاه‌های جدید مجهز نمایند. این تغییر فرهنگی بنظر می‌رسد که کمترین تاثیر را بر سنتها داشته باشد، اما منجر به تغییر مهمی در بهداشت تغذیه در جامعه گردد.

_ تقویت یک سنت و یا جلوه فرهنگی: اگر به یک ویژگی فرهنگی، مثلا کنده کاری بر روی چوب در جامعه توجه بیشتری شود و در صورت انجام آن افراد شاغل در این حرفه قادر به کسب درآمد بیشتر و جایگاه مطلوبتری در جامعه گردند، افراد بیشتری تشویق به انجام حرفه مذکور می‌شوند و برای بالا بردن سطح مهارت خود از استادان کنده کاری بهره می‌جویند و لذا شاغلان در این صنعت افزایش می‌یابند. در صورتیکه "شکار" به عنوان ویژگی فرهنگی دیگری در جامعه وجود داشته باشد و به عنوان مثال استاد کنده کار به این نتیجه برسد که خرید چوب نسبت به شکار نماید و بیشتر وقت خود را روی کنده کاری با توجه به منافع که از این طریق عاید خویش خواهد ساخت، معطوف نماید. از دیدگاه فرهنگ / جامعه، هیچ ضرر و زیان خاصی، (بالاخص در صورتیکه خرید، توسط شکارچی صورت پذیرد)، وجود ندارد، اما اگر اکثر افراد جامعه، کنده کاری را جایگزین شکار نمایند، مهارت شکار کاهش می‌آید و نهایتا به جایی می‌رسد که ویژگی فرهنگی شکار در جامعه از بین می‌رود.

_ رابطه مثبت ویژگی‌های فرهنگی: در صورتیکه ویژگی‌های فرهنگی بیشتر مورد استفاده قرار گیرد و در ارتباط با سنت نیز باشد، در این حالت ممکن است جذب ی آنها نیز بیشتر گردد. مثلا در بسیاری از فرهنگ‌های بومی، تولید البسه لازم برای مراسم سنتی به داستان‌های سنتی، آئین و تشریفات وابسته می‌باشد. زیرا انجام این مهم منجر ایجاد ارتباط با مفاهیمی که مربوط به عناصری که در پس این داستانها موجود می‌باشد، می‌گردد. بدین ترتیب ارتباط مثبتی بین ویژگی‌های فرهنگی مذکور وجود دارد. لذا یک ویژگی فرهنگی در صورتیکه مکمل آن، ویژگی فرهنگی دیگری باشد، مفهوم بیشتری می‌یابد.

نقصان زیاد در ویژگیهای فرهنگی مرتبط: اگر یک ویژگی فرهنگی که شدیداً مرتبط با سایر ویژگیهای فرهنگی باشد، کمتر مورد توجه قرار گیرد در این صورت ویژگیهای فرهنگی وابسته نیز تضعیف می گردند و این امر یکپارچگی فرهنگی را تهدید می نماید. برای مثال، عدم مرمت یا تخریب عمدی بنای فرهنگی یا مذهبی بسیاری از ویژگیهای فرهنگی، مرتبط با آن را تضعیف می نماید.

انجام مستمر یک ویژگی فرهنگی با پیوند معکوس: هر چه ویژگیهای فرهنگی با پیوند معکوس بیشتر انجام پذیرد، تمایل جامعه به کسب دانش در خصوص سایر ویژگیهای فرهنگی که بصورت وارونه با آن مرتبط می باشند بیشتر کاهش می یابد. برای مثال، اگر یکی از سنتها در کشوری ماهیگیری باشد و به صورت سنتی این فعالیت توسط زنان و فرزندان انجام پذیرد، در صورتیکه جامعه تأکید بر انجام این فعالیت توسط همه اعضای جامعه و حتی مردان نیز جهت تأمین غذای گردشگران نماید، انجام این عمل ممکن است منجر به این شود که مراسم سنتی وابسته به آن نیز (از قبیل انتخاب بهترین شکارچی) کمتر مرد توجه قرار گیرد.

استمرار انجام یک ویژگی فرهنگی با پیوند معکوس و اثرات حاصل از آن: اگر یک ویژگی فرهنگی، چه بصورت مستقیم و یا معکوس، شدیداً با سایر ویژگیهای فرهنگی مرتبط باشد، در این صورت هر گونه تغییر در ویژگی فرهنگی مورد توجه می تواند تأثیر قابل ملاحظه ای در یکپارچگی فرهنگی جامعه بگذارد. هر چه تعداد پیوندها بیشتر باشد، اثرات آن نیز افزونتر می گردد. این موضوع اغلب در مواردی اتفاق می افتد که یک سنت فرهنگی جایگزین یا پذیرفته می شود، به طور مثال جایگزینی ویژگی فرهنگی مغایر با مذهب خاصی بر بسیاری از پیوندهای معکوس و نیز سنتهای فرهنگی با پیوند مثبت اثر می گذارد. در چنین وضعیتی یکپارچگی فرهنگی مخاطره آمیز می باشد و می تواند منجر به تأثیرات منفی بر فرهنگ و یا تهاجم فرهنگی بر بسیاری از فرهنگهای بومی گردد.

۴- نتایج بررسی:

در بین سه استان مورد بررسی به ترتیب استان کرمانشاه، کردستان و همدان دارای وسعت و تعداد شهرستان بیشتری هستند و طی بررسی بعمل آمده مشترکات فرهنگی و هنری فراوانی بین این سه استان می باشد. صنایع دستی به عنوان یکی از قطبهای توسعه گردشگری در ایران مطرح می باشد و زنان در هر جامعه ای رکن اصلی تولید هنرهای سنتی و صنایع دستی می باشند. باتوجه به اینکه تجربه دنیای امروز نشان داده است که نوآوریهای مهم و پیشرفت‌های تکنولوژیکی، در سازمانها و شرکتهای بزرگ دولتی اتفاق نخواهد افتاد. قابلیت تطبیق با بازار و نیاز روز، از یک ساختار بزرگ پیچیده تودرتو ساخته نیست و در نتیجه برای پیشرفت سریع و ارائه محصولات جدید، تنها راه مؤثر، ایجاد و توسعه شرایطی است که فعالیتهای اقتصادی کوچک بتوانند تأسیس شوند و رقابت کنند.

ایده‌های کارآفرینی زمانی می‌توانند بر تولید، اشتغال و بهره‌وری عوامل تولید بنگاه اثر بگذارند که شرایط اجرای آنها فراهم گردد. از جمله پایگاه‌های مناسب جهت کاربردی کردن ایده‌های کارآفرینی، بنگاه‌های کوچک تولیدی و خدماتی است. شرط اینکه یک بنگاه کوچک بتواند ایجاد و راه اندازی گردد و سپس با اجرای ایده‌های کارآفرینی فعالیت خود را تداوم بخشد و از این طریق امکان رشد و توسعه را بیابد، فراهم بودن بسترهای لازم در عرصه اقتصاد کشور است. این مساله که بسیاری از کارهایی که در کشورهای در حال توسعه به دست زنان انجام می شود نادیده گرفته شده، مورد محاسبه قرار نگرفته و بی ارزش تلقی می شود، مساله جدیدی نیست. در آمارها معمولاً کار خانگی زنان، تهیه معاش روزانه، کار کشاورزی و فعالیتهایی که منجر به درآمدهای غیررسمی می شود، به فراموشی سپرده می‌شود. بیش از ۲۰ سال است که محققان در حوزه‌های مختلف به مساله نارسایی آمارهای رسمی مربوط به نیروی کار زنان پرداخته اند و تعریف و مفهوم سنتی کار را مورد پرسش قرار داده اند. آنها همچنین اقدام به طراحی و معرفی شیوه‌های بهتر جمع‌آوری اطلاعات در این حوزه کرده اند.

اندازه‌گیری جامع‌تر در حوزه کار زنان برای این که تولید آنها را در طول دوره زندگی شان مشخص کند، ضروری است. متخصصان استدلال کرده اند که در صورت آشکار شدن فعالیتهای اقتصادی زنان که در حال حاضر برای ما معین نیست، نشان می‌دهد که آنها تا چه اندازه در میزان رفاه خانواده تأثیر گذارند و باعث فهم تنوع موقعیت‌های اجتماعی آنها می‌شود و حتی سهم‌شان را در توسعه غیررسمی نشان می‌دهد. در تعریف کلی کار، تولید کالا یا خدمتی که برای دستمزد و سود صورت می‌گیرد، کار زنان در روستاها مورد بی توجهی قرار گرفته است. یکی دیگر از مشکلات این تعریف آن است که خانه‌داری یا کار خانگی را به عنوان فعالیت اقتصادی تعریف نشده است، زیرا این کار بیشتر ارزش مصرف دارد تا ارزش مبادله.

بنابراین کاری که معمولاً زنان در همه جای دنیا انجام می دهند، نادیده گرفته شده است اگرچه سازمان ملل توصیه کرده که تولید اولیه فعالیت اقتصادی محسوب شود، اما کشورها آزادند که فعالیتی را کار محسوب کرده و فعالیت هایی را مورد محاسبه قرار ندهند. (تدین/کارآفرینی/۸۵)

۱-۴) کار آفرینی: ارزش کارآفرینی و کارآفرینان و توجه به آنها در اقتصاد و فرهنگ کشورهای پیشرفته مشاهده می شود. دوره آشنایی و اهمیت دادن به کارآفرینی در ایران تا حدودی ناشناخته مانده است. کارآفرینی راه حلی برای مشکلات اقتصادی امروز ماست. توسعه و ترویج کارآفرینی یکی از نیازهای جدی اقتصاد ایران است. در شرایطی که کاهش سرمایه گذاری در اقتصاد کشور از یک سو، بهره وری پایین و گرایش به تعدیل نیروی انسانی در سازمان های دولتی و وابسته به دولت از دیگر سو و خیل تازه واردان به عرصه ی کار از سوی دیگر، بیکاری را به معضل بزرگ اقتصادی و اجتماعی این زمان بدل کرده است، به نظر می رسد که توسعه ی کارآفرینی و ترویج فرهنگ کارآفرینی یک ضرورت جدی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است.

در کشورهای بزرگ و پیشرفته، اهمیت کارآفرینی فقط به خاطر مسأله ی ایجاد شغل نیست، بلکه دلیل اصلی این است که فعالیت های اقتصادی کوچکی که در این کشورها به وجود آمده اند و رشد کرده اند، توانسته اند سهم عمده ی فناوری روز و در نتیجه ثروت و درآمد تمام دنیا را به خود اختصاص دهند. آمار نشان می دهد بیش از پنجاه درصد این حرکت ها و بیش از ۹۰ درصد جهش های رادیکالی که در این زمینه صورت پذیرفته است، که می توان از آن به انقلاب فناوری تعبیر کرد، در شرکت های کوچک و متوسط کارآفرینانه و نه در سازمان های بزرگ اتفاق افتاده است.

با توجه به اهمیت کارآفرینی در پیشرفت های اقتصادی و اجتماعی کشورها، دولت های آنان در جهت توسعه کارآفرینی برنامه ها و تلاش های مستمری را طراحی نموده اند. از جمله اهداف اصلی آنها می توان به سه مورد

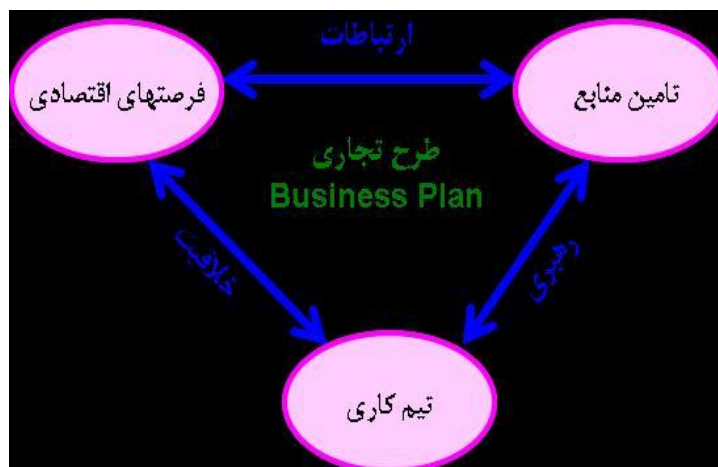
ذیل اشاره نمود:

۱- ایجاد ثروت در جامعه

۲- تولید تکنولوژی

۳- اشتغال مفید بخصوص برای جوانان

با توجه به تنوع صنایع دستی در سه استان فوق و توضیحات کار آفرینی به بررسی تولید و صادرات در سه استان می پردازیم:



با توجه به اطلاعات دریافتی از معاونت های صنایع دستی سه استان مورد نظر هنرهای دستی گرچه به عنوان میراث گرانبهای فرهنگی کشور و فعالیتی ارزشمند از دیدگاه شایسته ای مورد نظر است اما از بعد اقتصادی نیز در صورتی که در تعامل با عرصه های همگن از جمله صنعت توریسم قرار گیرد، می تواند نقش ارزنده ای در کسب درآمد و افزایش تولید ملی ایفا کند که در این میان استان همدان به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی و تاریخی و برخورداری از مواد اولیه فراوان با پتانسیل مناسبی روبروست که می تواند اقتصاد استان را رونق بخشد.

نگاهی دقیق به وضعیت تولید صنایع دستی در کشور نشان دهنده این واقعیت است که صنایع دستی ایران در بعد هنری دربرگیرنده ارزش‌ها و فرهنگ اصیل ایرانی و اسلامی است که یکی از راه‌های حفظ این فرهنگ و جلوگیری از اشاعه فرهنگ غرب، اتکا به سلايق و پویایی اندیشه، تفکر و خلاقیت ایرانی در حفظ و احیای صنایع دستی ایران است که لازمه این امر نیز آموزش، ترویج و گسترش در زمینه تولید و ایجاد اشتغال است و در بعد اقتصادی نیز ضرورت ایجاد می‌کند تا این صنعت به سمتی حرکت کند که امکان ادامه فعالیت صنعتگران و تولیدکنندگان وجود داشته باشد و آنها را به جایگاه مناسبی که موجب توسعه بازار جهانی و صادرات و افزایش درآمد غیرنفتی است، سوق دهد چرا که به باور کارشناسان، اهمیت صنایع دستی تنها به دلیل زیبایی‌های هنری آن نیست بلکه به لحاظ نقش آن در افزایش تولید ملی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و باید این مسئله به طور جدی مورد توجه قرار گیرد.

صنایع دستی در استان همدان به عنوان هنر اصیل، ارزنده و بومی نه تنها از جنبه‌های فرهنگی بلکه از جهات اقتصادی و اجتماعی دارای اعتبار، هویت و تنوعی خاص بوده و به عنوان یکی از ارکان رشد و توسعه اقتصادی هر منطقه محسوب می‌شود و از آنجا که استان تاریخی همدان سالانه پذیرای انبوهی از گردشگران داخلی و خارجی است، کارگاه‌ها و فروشگاه‌های صنایع دستی به لحاظ شمار بازدیدکنندگان یکی از جاذبه‌های مهم استان همدان محسوب می‌شود. اما در این میان قرار گرفتن فروشگاه‌های عرضه تولیدات دستی و صنایع دستی در خیابان‌های فرعی موجب کاهش استقبال مسافران از بازدید از این مراکز شده است به گونه‌ای که این مراکز و فروشگاه‌ها در ورودی‌های شهر به شکلی زیبا و با ساختاری نو طراحی و راه‌اندازی شوند به حتم نه تنها در شناسایی ویژگی‌های هنری همدان به مسافران موفق‌تر خواهیم بود بلکه رغبت مسافران و گردشگران برای بازدید از این مراکز بیشتر خواهد شد.

استان همدان به لحاظ موقعیت اقتصادی، فرهنگی و جغرافیایی از تنوع رشته‌های صنایع دستی تعدد صنعتگران صنایع دستی و تکرر تولیدات در این زمینه برخوردار است و با توجه به سهم ۳ درصدی در تولید ناخالص ملی و عدم ضرورت سرمایه‌گذاری سنگین و ارزش افزوده بالا و نقش پررنگ آن در صادرات و ارزآوری و وجود مواد اولیه و ابزار مورد استفاده داخلی و غیرپیچیده به عنوان یکی از مهمترین مشاغل استان حائز اهمیت است. پتانسیل‌های صنایع دستی در استان همدان حاکی از این است که هنر صنایع دستی نقش بسزایی در ایجاد اشتغال مولد به ویژه در مناطق روستایی و شهرهای استان دارد و در مناطقی وجه غالب اشتغال را به خود اختصاص داده است، به گونه‌ای که شهر لالچین در بهار مرکز سفال و سرامیک همدان و ایران به شمار می‌رود و روستاهای جیجانکوه و اشترمل در شهرستان تویسرکان به عنوان مرکز منبت و روستای کاج واقع در شهرستان رزن به عنوان روستایی کم‌نظیر در سطح ایران که تمامی ساکنان آن به کار قاب‌سازی با چوب اشتغال دارند، نمونه‌هایی از این موارد است که می‌توان با برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح آنها را به قطب‌های جلب توریسم تبدیل کرد و در این مسیر از تبعات مثبت آن که شامل ایجاد اشتغال، جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه روستاییان به شهر و توسعه این صنعت اصیل، بهره‌مند شد و از آنجا که در برنامه چهارم توسعه رسیدن به اهداف تعیین شده در گرو برنامه‌ریزی صحیح و انجام درست امور است می‌توان چنین گفت که صنایع دستی شایستگی آن را دارد که با حذف موانع و برنامه‌ریزی درست و نیز ساماندهی و عنایت جدی و همه‌جانبه رشد و توسعه پیدا کند. در حال حاضر آنچه از آمار و ارقام برمی‌آید و آنچه مقامات استان در زمینه جایگاه صنایع دستی استان بیان می‌کنند با جایگاه واقعی این هنر فاصله دارد که باید رساندن هنر صنایع دستی به جایگاه واقعی آن را مدنظر قرار داد. بنا به گفته معاون سازمان میراث فرهنگی - صنایع دستی و گردشگری استان همدان سیاست‌های در پیش گرفته شده برای تقویت صنایع دستی استان همدان بر مبنای آموزش، حمایت، نظارت و توسعه و ترویج بیش می‌رود که در سال گذشته نیز با هدف ورود بخش خصوصی برای کاهش تصدی‌گری دولت در زمینه آموزش به هنرجویان، یک هزار و ۹۷۱ نفر در ۲۰ رشته از جمله قلم‌زنی روی مس، فلا‌بافی با چرم، گلیم‌بافی، تراش سنگ‌های قیمتی، نقاشی سفال، تذهیب و طراحی، معرق چوب، نگارگری، منبت‌کاری، ساخت ساز سنتی و طلاسازی دوره‌های آموزشی را سپری کرده‌اند.

سال گذشته ۶ هزار و ۸۴۹ فقره کارت پروانه و مجوز برای کارگاه‌های صنایع دستی استان صادر شد و ۲۰۴ کارگاه نیز فعالیت خود را آغاز کردند.

آمار صادرات کالاهای صنایع دستی در نیمه نخست امسال حاکی از این است که میزان صادرات کالاهای بخش صنایع دستی در نیمه نخست سال جاری از افزایش ۲۰ درصدی برخوردار بوده است و ۹۷۱ هزار و ۹۶۵ تن انواع صنایع دستی از جمله سفال، شیشه دست‌ساز، فرش دستباف، آلات موسیقی، مصنوعات سنگی و... از گمرک همدان صادر شده است که بیش از ۴ میلیون و ۷۵۲ هزار دلار ارزآوری داشته است. آمار به دست آمده بیانگر این است که کشورهای اسپانیا، هلند، عراق، سوئد، فرانسه، آلمان، کویت، ایتالیا و آمریکا کشورهای مقصد برای صادرات کالاهای صنایع دستی استان همدان بوده‌اند و در نیمه نخست سال جاری ۲ کالا شامل سفال، شیشه دست‌ساز و فرش دستباف به ترتیب رتبه اول تا سوم را به لحاظ وزن کالای صادر شده به خود اختصاص داده‌اند.

گذشته از این آمار، نگاهی به صادرات کالاهای صنایع دستی از گمرکات سایر استان‌ها بیانگر این امر است که برخی از کالاهای صنایع دستی تولید شده در استان همدان از طریق گمرک استان‌های تهران، شیراز، کردستان، کرمانشاه، آذربایجان غربی و سلماس به کشورهای خارجی فرستاده می‌شود که در صورت احتساب آمار صادرات صورت گرفته کالاهای تولید شده همدان از طریق این گمرکات میزان صادرات کالاهای صنایع دستی همدان افزایش نشان می‌دهد به گونه‌ای که جمع کل صادرات رسمی و غیررسمی صنایع دستی استان همدان در نیمه نخست امسال بالغ بر ۹ میلیون و ۷۲۵ هزار دلار بوده است که تنها ۹۷۱ هزار تن آن از طریق گمرک همدان صادر شده است.

وی رشته‌های شاخص و اصلی صنایع دستی استان همدان را سفال، سرامیک، منبت و چرم و مصنوعات چوبی عنوان کرد و افزود: هنرمندان کشور در ۱۴۸ رشته صنایع دستی فعالیت دارند که در استان همدان بیش از یکصد رشته مورد استقبال هنرجویان قرار گرفته است.

نگاهی به گذشته این هنر اصیل و وضع فعلی آن نشان می‌دهد که برای نجات هنرهای سنتی و صنایع دستی از ورطه فراموشی و منسوخ شدن باید مدیریتی صحیح متخصص و کارآمد به کار گرفته شود. کاهش تولید سالانه فرش‌بافان استان همدان و عدم استقبال هنرجویان جوان از این رشته مسئله‌ای است که باید مورد توجه مسئولان امر قرار گیرد کما اینکه نگاهی به تاریخ صنعت و هنر فرش ایران بیانگر این مهم است که استان همدان از دیرباز مهد صنعت فرش دستباف کشور بوده است و بیش از ۸۰ سال در این صنعت پیشینه دارد و بر اساس مستندات ارائه شده فرش‌های بافته شده به دست هنرمندان همدانی از سال‌های بسیار دور تاکنون به طور عمده به کشورهای اروپایی و آمریکایی صادر شده است.

تولید سالانه فرش‌بافان استان همدان در گذشته‌های نه‌چندان دور به مرز ۵۰۰ هزار مترمربع نیز می‌رسیده و حال آنکه طی ۱۵ سال اخیر این میزان به ۲۰۰ هزار مترمربع رسیده است. آنچه مشهود است اینکه با استناد به آمار ارائه شده خانه فرش همدان، در حال حاضر ۷۰ هزار بافنده فرش در استان همدان فعالیت دارند و ۹ تعاونی فرش دستباف در استان به اعضای خود خدمات می‌دهد. بیشترین تولید فرش در استان همدان توسط روستاییان انجام می‌شود و بیش از ۷۰ درصد از فرش‌های موجود در بازار همدان به دست روستاییان هنرمند بافته شده است. معاون توسعه تجارت خارجی سازمان بازرگانی استان همدان در گزارشی از وضعیت صادرات ۸ ماهه نخست امسال، فرش دستباف را چهارمین کالای صادراتی ارزآور استان معرفی کرده است و از صادرات ۱۶۹ هزار تنی این کالا خبر داده است.

در حالی که استان همدان توانایی تولید و صادرات بیشتر فرش دستباف را داراست در ۸ ماهه امسال تنها ۹ درصد از صادرات استان به فرش دستباف اختصاص یافته است که این امر نیازمند تأملی در خصوص علت کاهش صادرات این کالا است.

آمار ارائه شده از سوی سازمان بازرگانی استان همدان مؤید این مطلب است که فرش دستباف، صنایع دستی شیشه‌ای و سفال جزء ۱۰ قلم عمده کالای ارزشی در صادرات استان هستند که ارتقای رتبه این کالاها به رده‌های بالاتر کاری بس آسان است که تنها در گرو مدیریتی صحیح دست یافتنی خواهد بود. ایجاد شهرک‌های توریستی با کارکرد صنایع دستی محلی در شهر و استان همدان با امکانات رفاهی، تفریحی و ورزشی نیز شاید بتواند در رشد این صنعت موثر باشد کما اینکه ایجاد بازارچه‌های محلی، دائمی و فصلی صنایع دستی در مراکز گردشگری استان همدان و توسعه و ترویج صنایع دستی شاخص استان از جمله سفال و سرامیک، چرم و منبت با الهام از فرهنگ‌ها و سنت‌ها و آداب و رسوم حاکم بر هر محله و منطقه و ایجاد فروشگاه‌های صنایع دستی در مناطق ویژه و بالاخص ورودی‌های شهر همدان به منظور تبلیغ صنایع دستی استان در بین گردشگران می‌تواند به عنوان راهکارهای رونق بخشیدن به هنر صنایع دستی در همدان مطرح شود.

در استان کرمانشاه نیز طی سال‌های اخیر معاونت صنایع دستی تلاش مضاعف کرده تا صنایع دستی که از رونق دیرینه برخوردار بوده تولیدات آن‌ها بیشتر به سایر نقاط ایران و خارج از آن صادر شود. اهم فعالیت‌های معاونت در بخش صدور مجوزهای سه‌گانه برای هنرمندان و صنعتگران استان بوده است. طی چند سال اخیر از ۵۰ هزار هنرمند فعال این استان حدود ۵ هزار هنرمند و صنعتگر شناسایی و برای متقاضیان کارت شناسایی صادر شده است.

صدور مجوز کارگاهی حدود ۳۲۰ کارگاه صنایع در سطح استان در رشته‌های اصلی و بومی صادر شده و همچنین ثبت اطلاعات صنعتگران و هنرمندان در بانک اطلاعاتی طی ۲ سال اخیر حدود ۲۵۰۰ آمار در بانک اطلاعاتی ثبت و بخش آموزش رشته‌های صنایع دستی به متقاضیان در تمامی سطح استان به خصوص روستاها و مراکز دور افتاده و عقد قراردادهایی با سازمان‌های مرتبط مثل امور عشایری، جهاد کشاورزی، بهزیستی، کمیته امداد، امور بانوان جهت امر آموزش صورت گرفته است.

همچنین اعزام هنرمندان و صنعتگران به بیش از حدود ۴۰۰ نمایشگاه داخلی طی هر سال و چندین نمایشگاه خارج

از کشور، معرفی هزار نفر از هنرمندان و صنعتگران به صندوق مهررضا برای اخذ تسهیلات خانگی و کارگاهی طی چند سال اخیر، معرفی حدود ۵۰۰ نفر از صنعتگران و هنرمندان به اداره کل فنی و حرفه‌ای برای اخذ گواهی صلاحیت و معرفی صنعتگران و هنرمندان به اداره کل تأمین اجتماعی جهت برخورداری از مزایای بیمه نیز انجام شده است.

طی سال‌های اخیر معاونت صنایع دستی برای آشنایی هر چه بیشتر و بهتر عموم مردم علاقه‌مند و شناسایی و ارتباط هر چه بیشتر مردم با این صنعت دستی از طریق اداره کل استان اقدام به ایجاد موزه‌های صنایع دستی در شهرستان‌ها و مرکز استان و همچنین برپایی نمایشگاه‌های صنایع دستی در اماکن گردشگری تاریخی و همچنین ۲ بازارچه صنایع دستی در شهرستان‌های دالاهو، کرمانشاه کرده است و ۳ نمایشگاه دائمی در دستور کار قرار دارد. همچنین طی ۲ سال گذشته با راه‌اندازی نخستین انجمن حمایت از صنایع دستی و هنرمندان و صنعتگران استان و همچنین اتحادیه‌های تعاونی صنایع دستی و فعال‌سازی این انجمن‌ها باعث رونق بخشی این صنعت و دلگرمی هنرمندان و صنعتگران شده است.

معاون صنایع دستی و هنرهای سنتی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمانشاه، گفت: در سه ماهه اول سال ۱۳۸۹ صادرات صنایع دستی نسبت به مشابه سال قبل افزایش چشمگیری داشته است.

نصرت اله سپهر در این رابطه اظهار داشت: با توجه به آمار صادرات صنایع دستی در سه ماهه اول سال ۸۹ این صادرات به ارزش چهار میلیون و ۸۷۶ هزار و ۱۰۱ دلار معادل ۱۰/۷۵ درصد و به لحاظ قیمت به میزان ۱۸۶۷ تن با افزایش وزنی با تغییرات ۲/۲۵ درصد افزایش داشته است.

این نشان از توان، مهارت، قدرت تفکر، ذوق هنری صنعتگران و حمایت همه جانبه مسئولین استان از چرخه صادرات صنایع دستی است و این چرخه صادرات با وضعیت بهتری رو به افزایش است لذا خوشحالیم که حمایت‌های مستمر استان مثمر ثمر واقع گردیده است.

تمام این اقلام صادراتی به کشور عراق بوده که شامل انواع محصولات گیوه، سفال تکمیلی، سرامیک و دیگر انواع اقلام صنایع دستی می باشد.

اقلام صادراتی شیشه با ۳۱ درصد افزایش، گیوه ۵/۶۶ درصد افزایش، سفال و سرامیک با ۱۰۰ درصد افزایش صادر گردیده اند.

معاون صنایع دستی استان کرمانشاه بیان کرد ضمناً بخش عمده ای نیز از صنایع دستی استان کرمانشاه از طریق استانهای دیگر به کشورهای مختلف نیز صادر گردیده علاوه بر این با حضور در نمایشگاه های مختلف زمینه فروش صنایع دستی در استان بسیار خوب است.

چنانچه ذکر شد یکی از پتانسیل های استان کردستان صنایع دستی است سیاست گذاری و ظرفیت سازی جهت استفاده بهینه از امکانات موجود در راستای توسعه صنایع دستی استان بنابه دلایل ذیل قابل توجه است:
- وفور مواد اولیه در منطقه در رابطه با صناعی چون چوب و بافته های مختلف کردستان میتواند بستر مناسبی جهت رشد و تقویت صنایع دستی باشد .

در استان کردستان جنگل‌های وسیع با تیره‌های مختلف از درختان وجود دارد. در انواع درختان، گردو و سنجد و گره‌های پر نقش و زیبای آنها برتری خاصی دارند که این برتری به لحاظ تنوع رنگی نه تنها در استان بلکه در سطح کشور قابل توجه است به طوریکه غالباً جهت هنر معرق کاری در دیگر مناطق کشور از چوب سنجد، گلابی و گردوی استان کردستان بنا به ویژگی‌های بی نظیر آن استفاده می‌شود.

انواع گیاهان رنگزا و همچنین درصد بالای رشد دامپروری در منطقه، مواد اولیه قالی و گلیم (پشم) و دیگر دست‌بافته‌ها را مهیا می‌سازد.

انواع سنگ‌های گرانقیمت با تنوع رنگی کم نظیر می‌تواند هنر-صنعت تراش سنگ را در زمینه‌های معرق سنگ، مجسمه‌سازی، شومینه و هنرهای تزئینی در استان رشد دهد.

وجود جاذبه‌های توریستی بسیار در منطقه و سیاست‌گذاری‌های کلان‌کشوری در زمینه توسعه گردشگری که صنایع دستی می‌تواند مکمل بی‌نظیری با جاذبه‌های توریستی باشد. توسعه گردشگری افزایش فروش محصولات را به همراه خواهد داشت که این امر در افزایش صادرات غیر نفتی تأثیر بسزایی خواهد داشت. توجه به این نکته مهم است که بر خلاف کالاهای جدید صنعتی که در مورد صنایع دستی کشورهای پیشرفته به عنوان فروشنده و عرضه‌کننده و ممالک در حال توسعه خریدار و متقاضی هستند در مورد صنایع دستی کشورهای در حال توسعه عرضه‌کننده کالا بوده و ممالک پیشرفته متقاضی و خریدار آن است.

در کردستان کمتر خانواده‌روستایی را می‌توان یافت که به طور مستمر به فعالیت و تولید صنایع خانگی مخصوصاً قالی و گلیم و موج‌نیردازند و در این رابطه زنان بمانند دیگر نقاط دنیا نقش بسزایی در تولید محصولات صنایع دستی دارند.

در سال‌های اخیر روی آوردن جوانان به رشته‌های صنایع دستی علاوه بر روستاها در شهرستان‌های استان نیز از آمار قابل توجهی برخوردار است، استقبال جوانان و حتی علاقمندان در سنین بالاتر از صنایع دستی موجب شده است که صنایع دیگری چون زیورالات سنتی کردستان، معرق و منبت چوب، سفالگری، طراحی روی سفال، سوزن‌دوزی، دوخت‌های سنتی (کردی دوزی)، مصنوعات چرم (سراجی)، سازسازی عرفانی، مصنوعات سنگ، چاپ باتیک، کلاش بافی (گیوه بافی) در کردستان توسعه یابد.

و در ادامه این روند، علاقه‌مندان و صنعتگران در راستای احیای صنایع دستی منسوخ شده استان کوشا بوده و موفق شده‌اند که مجدداً صناعی چون اروسی‌سازی، نساجی سنتی و حصیریافی و نمد مالی معرفی و جهت احیاء کارگاه‌های آن تلاش کنند.

معاونت صنایع دستی با ایجاد کارگاه‌های آموزشی در رشته‌های مختلف و همچنین همکاری با آموزش و پرورش در رشته‌های کار و دانش و فنی حرفه‌ای وضعیت آموزشی صنایع دستی را تقویت کرده است. آمارهای ارائه شده در سال‌های اخیر نشان‌دهنده توجه خاص مردم منطقه به صنایع دستی بوده و می‌توان با حمایت از آموزش دیدگان و تقویت دوره‌های آموزشی می‌تواند معضلاتی چون بیکاری، مهاجرت، اعتیاد تاحدی مهار شود، بدون تردید یکی از دلایل مهم در توجیه جنبه‌های مثبت صنایع دستی مربوط به اثرات آن در مبارزه با انواع بیکاری به عنوان یکی از مسائل پیچیده و بغرنج در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران است. کاربردی بودن صنایع دستی استان و اشتها در برخی از تولیدات خصوصاً گلیم و قالی‌سنة که از لحاظ طرح و نقشه و رنگبندی

بی نظیر است .

معروفیت صنعتگران خراطی و نازککاری چوب سنندج در سطح بین المللی از دیگر افتخارات صنایع دستی استان کردستان است منحصر به فرد بودن پای پوش سنتی استان کردستان (کلاش) به لحاظ نوع ساخت و کارایی آن، جذابیت زیورآلات کردستان، سنتی بودن طرحها و نقشها و کارگاه های تولیدی که همچنان روشهای سنتی خود را حفظ کرده اند علاوه بر جنبه های هنری از لحاظ گردشگری نیز حائز اهمیت بوده و می تواند برای هر مسافر و گردشگری جذاب باشد.

بستر سازی توسعه مشارکت بخش خصوصی و حمایت از تعاونی ها و تشکل های غیر دولتی و وجود بیش از ۳۰ تعاونی تخصصی در سطح استان، تقویت بنیه مالی صنعتگران از طریق افزایش تسهیلات مالی و اعتباری. واگذاری آموزشهای صنایع دستی به بخش خصوصی و حمایت و کمک به توسعه و افزایش تولید و فروش آن و در کنار موارد ذکر شده، تقریباً در سطح کشور بی نظیر است که می تواند در خدمت ارتقاء و رشد و توسعه استان قرار گیرد و در رفع پاره ای از معضلات اقتصادی و اجتماعی استان مثر ثمر بوده و در برنامه ریزی های کلان مورد نظر باشد .

منابع:

- زنده دل، حسن، مجموعه راهنمای جامع جهانگردی استان کردستان، چاپ اول، تهران، ایرانگردان، ۱۳۷۸
- ماهنامه تخصصی ایران شناسی، میراث فرهنگی و گردشگری ایران، شماره ۳۶، سال ششم، ۱۳۹۰
- فاطمی، ابوالحسن، سیمای گردشگری استان همدان، چاپ اول، تهران، امیر، ۱۳۸۰
- زرغام، ۱۳۸۲
- www.wikipedia.org
- ابراهیمی، پروین، سیمای میراث فرهنگی همدان، چاپ اول، تهران، تولیدات فرهنگی، ۱۳۸۲
- ابراهیمی، پروین، سیمای میراث فرهنگی کردستان، چاپ اول، تهران، تولیدات فرهنگی، ۱۳۸۱
- زنده دل، حسن، مجموعه راهنمای جامع جهانگردی استان همدان، چاپ اول، تهران، ایرانگردان، ۱۳۷۶
- زارعی، ۱۳۸۱
- زنده دل، حسن، مجموعه راهنمای جامع جهانگردی استان کرمانشاه، چاپ اول، تهران، ایرانگردان، ۱۳۷۹
- تدین طهماسبی، نوشین، همایش کارآفرینی و توسعه کارآفرینی، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان شمالی، ۱۳۸۵
- دهقان، محمد، بانک جامع اطلاع رسانی گردشگری ایران، چاپ اول، مشهد، بوستان، ۱۳۸۸
- فصلنامه علمی مطالعات جهانگردی، شماره ۱۳۸۳، ۵،
- فصلنامه علمی مطالعات جهانگردی، شماره ۱۳۸۶، ۶۱۶-۱۳۸۶، فصلنامه علمی مطالعات جهانگردی، شماره ۱، ۱۳۸۲
- فصلنامه علمی مطالعات جهانگردی، شماره ۲۱۸، ۲۱۸-۱۳۸۲، شریف ملک زاده، محمد، تعاریف، مفاهیم، جاذبه های و مسیرهای گردشگری با علایق ویژه در ایران، تهران، ایرانیکا، ۱۳۸۹
- زنده دل، حسن، مجموعه راهنمای جامع ایرانگردی جلوه های جهانگردی عشایر، چاپ اول، تهران، ایرانگردان، ۱۳۷۹۲۰-الوانی، مهدی، دهدشتی، شاهرخ، زهره، اصول و مبانی جهانگردی، چاپ اول، تهران بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳
- بونی فیس، پرسینا، مدیریت گردشگری فرهنگی، چاپ اول، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۸۰)
- دیبایی، پرویز، شناخت جهانگردی، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۱
- فصلنامه علمی مطالعات جهانگردی، شماره ۱۳۸۴، ۱۰،